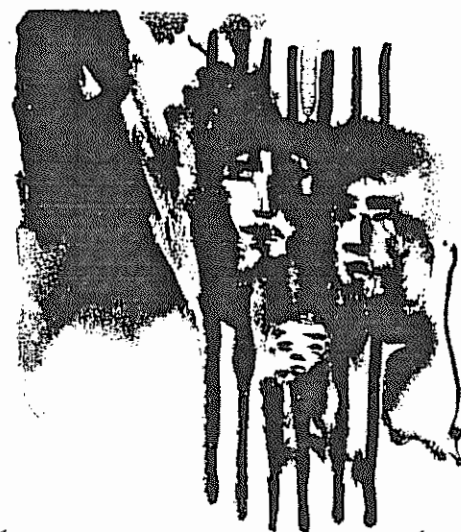


### ده سال از فاجعه ملی در ایران گذشت

## بازماندگان کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ خواهان مجازات عاملین این جنایت هستند

همزمان با دهمین سالگرد فاجعه ملی که در جریان آن چندین هزار نفر از زندانیان سیاسی چپ و مجاهد، اعدام شدند، در ایران هنوز هیچ کس مسئولیت رسمی این فاجعه تکان‌دهنده را بر عهده نگرفته است و حتی به این جنایت اعتراف نمی‌کند. سکوت در باره این فاجعه به عنوان سیاست رسمی حکومت جمهوری اسلامی ادامه دارد و روزنامه‌ها و رسانه‌های عمومی در ایران اجازه ندارند در باره این فاجعه تکان‌دهنده و قربانیان آن بنویسند.

سخنان اخیر سران رژیم و به ویژه مسعود خاتمی رئیس جمهور، در تجلیل از اسدالله لاجوردی، که در کشتار و آزار زندانیان سیاسی ایران یکی از بزرگ‌ترین نقش‌ها را داشته است، موجی از تأسف، نفرت و خشم در میان بازماندگان خانواده‌های شهدا و زندانیان



سیاسی برانگیخت و این نکته را به اثبات رساند که همه آن چه این روزها در مورد حقوق قانونی شهروندان گفته می‌شود، تنها شامل شهروندان معتقد به

پس از ده سال هنوز از هیچ حتی در حکومت اسلامی برخوردار نیستند. امسال نیز، هزاران خانواده داغ‌دار و میلیون‌ها ایرانی آزادی‌خواه و شرافتمند، یاد قربانیان این فاجعه بزرگ را در جمع‌های کوچک و در گورستان‌ها گرامی می‌دارند. بنا

به گزارش‌های رسیده از ایران، در همه هفته‌های تابستان امسال، خانواده‌های شهدا و قربانیان این فاجعه با برگزاری مراسم مختلف یاد عزیزان جان باخته خود را گرامی داشته‌اند. اعدام اسدالله لاجوردی، جلاهد زندان اوین و قاتل هزاران تن از گورستان‌ها گرامی می‌دارند. بنا

### اعلامیه شورای مرکزی

#### سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت دهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

#### بازماندگان فاجعه

هیچ وقت نمی‌گذاریم این آتش خاکستر شود

گفتگو با رفیق مینالبادی درباره کشتار همگانی

صفحات ۶ تا ۸

### هم‌زمان با دهمین سالگرد فاجعه ملی در ایران اسدالله لاجوردی، قاتل هزاران زندانی سیاسی ترور شد



در مراسم تشییع جنازه لاجوردی تنها جمع کوچکی از نیروهای امنیتی و حزب‌الله و سران وابسته به جناح راست حکومت شرکت کردند

روز یکشنبه اول شهریور ماه، اسدالله لاجوردی، قاتل هزاران زندانی سیاسی در ایران، در بازار تهران ترور شد. لاجوردی به مدت ۱۰ سال رئیس زندان‌های ایران بود و در این مدت زندانیان سیاسی بی‌شماری را به دست خود اعدام کرد. او چندی پیش از مقام خود کناره‌گذاشته شد. مجاهدین خلق مسئولیت این ترور را که بازتاب گسترده‌ای در ایران و جهان داشت، بر عهده گرفتند.

لاجوردی، رئیس سابق زندان‌های کشور، ظهر روز یکشنبه در مغازه‌اش در بازار بزرگ ترور تهران، مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد. در خبری که از سوی خیرگزاری جمهوری اسلامی مخابره شد و در همه روزنامه‌ها به طور یکسان به چاپ رسید، گفته شده

است که جوانی به عنوان خریدار به حجره لاجوردی در بازار بزرگ تهران مراجعه کرده و او را با یک مسلسل یوزی به گلوله بست. لاجوردی بلافاصله کشته شد. در جریان این ترور برادر وی مجروح گردید و دو تن دیگر به نام‌های اصغر رئیس اسماعیلی که از معاونان سابق لاجوردی بوده است و زین‌الدین مسعودی از عوامل اطلاعاتی رژیم، به قتل رسیدند.

اطلاعیه مجاهدین خلق در حالی که هیچ کدام از ادامه در صفحه ۲

### دیپلمات‌ها هنوز آزاد نشده‌اند

طالبان برای مذاکره مستقیم با رهبران جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرد  
پاکستان، جمهوری اسلامی را تا لحظه سقوط هزار شریف فریب داد

سرنوشت یک خبرنگار و ده دیپلمات ایرانی که یک ماه پیش به هنگام تصرف شهر مزار شریف توسط نیروهای جنبش طالبان مسفوق شدند، همچنان در پرده ابهام مانده و تاکنون تلاش‌های جمهوری اسلامی برای نجات جان آنان به جای نرسیده است. با گذشت یک ماه، هنوز روشن نشده که روز ۱۲ مرداد تقبی نیروهای طالبان در مزار شریف وارد ساختمان کنسولگری ایران شدند در آنجا چه اتفاقی افتاد. دیپلمات‌ها چرا به موقع از افغانستان خارج نشدند و مهاجمان با آنان و نماینده خیرگزاری جمهوری اسلامی چه کردند. مقامات جمهوری اسلامی معتقدند که پاکستان به وعده‌اش مبنی بر حمایت از دیپلمات‌ها عمل نکرده و نیروهای طالبان آنان را رها کرده‌اند. علالدین بروجردی نماینده ویژه وزیر امور خارجه در امور افغانستان می‌گوید لحظه ورود نیروهای طالبان به داخل ساختمان کنسولگری یکی از دیپلمات‌ها با او سرگرم گفتگوی تلفنی بوده و به وی خبر داده که طالبان ادامه در صفحه ۲

## هیچ تغییری در قانون صورت نمی‌گیرد انتخابات خبرگان زیر کنترل کامل شورای نگهبان برگزار می‌شود

توافق کرده و لیست خود را نیز تهیه کرده‌اند. به نوشته روزنامه‌ها در لیست جناح راست، ۱۲ چهره جدید وجود دارد. این در حالی است که در طرف مقابل هنوز توافقی برای ائتلاف صورت نگرفته است و مذاکرات ادامه دارد. حسن مرعشی نایب رئیس فراکسیون حزب‌الله و عضو رهبری کارگزاران گفته است: این که جناح چپ صورت بگیرد یا نه، بستگی به شرایط کنونی در یکی دو ماه آینده دارد. وی تأکید کرده است فهرست نامزدهای حزب کارگزاران سازندگی، حتی در صورت ائتلاف متمایز خواهد بود.

خبرها حاکی از گسترش ادامه در صفحه ۵

شده است. این طرح پیش از انتخابات خبرگان به مجلس داده خواهد شد. شورای نگهبان در حذف کاندیدها همچنان اختیار تام خواهد داشت. کمیسیون مسجل، افسزایش سن رای‌دهندگان به میزان یک سال را تصویب کرده است. اگر مجلس این تغییر را بپذیرد، دو میلیون جوان از رای دادن محروم خواهند شد. دولت مخالف این تغییر است و ناطق نوری رئیس مجلس نیز تلویحاً با آن مخالفت کرده است.

#### کارگزاران و جناح چپ به توافق نرسیده‌اند

جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای ارایه یک لیست مشترک

روز ۱۲ شهریور ادامه خواهد یافت. وزیر کشور، تاج‌زاده معاون سیاسی - امنیتی این وزارتخانه را مسئول اجرایی انتخابات کرده است. این در حالی است که در روزنامه‌ها احتمال برکناری وی، که به شدت با مخالفت جناح راست حکومت مواجه است، از معاونت سیاسی وزارت کشور مطرح شده است. به نوشته روزنامه اخبار قرار است ریجی، مدیر مسئول روزنامه کار و کارگر جانشین خواهد شد. اما اختلافات بین جناح چپ و کارگزاران هنوز حل نشده است.

ثبت‌نام داوطلبان نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از روز جمعه ۶ شهریور آغاز شد و تا

در حالی که جناح راست حاضر نشده است هیچ‌گونه تغییری در شرایط ضد دموکراتیک انتخابات خبرگان بدهد و می‌خواهد این انتخابات را تحت نظارت کامل شورای نگهبان برگزار کند، طسرف‌داران دولت، علیرغم نارضایتی‌هایی که نشان می‌دهند و تهدیدهایی که می‌کنند، خواهان شرکت گسترده مردم در این انتخابات ضد دموکراتیک شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که جناح راست حکومت به طور یک‌پارچه وارد این انتخابات خواهد شد، اما اختلافات بین جناح چپ و کارگزاران هنوز حل نشده است.

ثبت‌نام داوطلبان نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از روز جمعه ۶ شهریور آغاز شد و تا

## حجت‌الاسلام رازینی ۳/۵ میلیارد تومان از دارایی دادگستری را به حساب خود واریز کرده است

علی رازینی به جناح رسالت - خانه‌ای وابسته است. رازینی و همکارانش برای آن که موضوع دزدی در دستگاه قضایی را درز بگیرند، اختلاس در وزارت ارشاد را که زیر نظر جناح مقابل سرپرستی پانک‌ها، متوجه شده‌اند که ۳/۵ میلیارد تومان در دو مرحله از حساب وزارت دادگستری به حساب سپرده ثابت پنج ساله به نام علی رازینی رئیس کل دادگستری تهران واریز شده است.

پولها و بهره آن بوده و گویا رئیس بانک مرکزی تازه از آن با خبر شده است. وی در نامه‌ای به خاتمی رئیس جمهور نوشته که بازرسان بانک مرکزی در جریان بازرسی سالانه خود از شعب و سرپرستی پانک‌ها، متوجه شده‌اند که ۳/۵ میلیارد تومان در دو مرحله از حساب وزارت دادگستری به حساب سپرده ثابت پنج ساله به نام علی رازینی رئیس کل دادگستری تهران واریز شده است.

وزارت ارشاد با سرمایه‌گذاری پیش فروش حج عمره ماهانه ۱/۵ میلیارد تومان بهره می‌گیرد  
دیوان محاسبات کشور: وزیر سابق معادن و فلزات ۵۵ هزار مارک اختلاس کرده است

منتقل کرده است. حجت‌الاسلام رازینی برای ۳/۵ میلیارد تومان پول دادگستری، ۱/۵ میلیارد تومان هم بهره گرفته است. حجت‌الاسلام رازینی از سال ۷۳، سرگرم نقل و انتقال این برداشته و به حساب شخصی

در خیرها آسوده است که حجت‌الاسلام علی رازینی رئیس دادگستری کل تهران ۳/۵ میلیارد تومان پول دادگستری را غیر قانونی از حساب بانکی آن برداشته و به حساب شخصی

### سر مقاله علیه سکوت

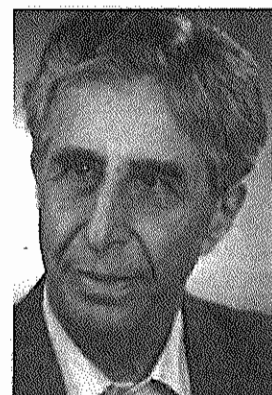
ده سال از قتل عام زندانیان سیاسی ایران می‌گذرد. این فاجعه، در میان همه جنایات رژیم حاکم بر کشور ما، از ویژگی برخوردار است. در حالی که همه فجایع دیگر، از جمله اعدام ده‌ها هزار انسان در سال‌های ۶۰ تا ۶۷، کمابیش مورد اذعان جمهوری اسلامی است (البته به عنوانی که خود روی آن می‌گذارد، مانند سرکوب ضدانقلاب، مبارزه با تروریسم و غیره)، سران و سخنگویان جمهوری اسلامی با کشتار ۶۷ به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی اصلاً چنین رویدادی وجود نداشته است. صرف ذکر اعدادهای دسته‌جمعی در تابستان و پاییز ۱۳۶۷ در جمهوری اسلامی یک تابو است. منتظری مقام خود را به خاطر نقض این تابو از دست داد. ابعاد جنایت به حدی است که حتی ملایان نیز که معمولاً از ذکر کرده‌های خود ایایی ندارند، از کنار این یک واقعه به سکوت می‌گذرند. و این بزرگترین تهدید علیه میراث جان‌باختگان ۶۷ است: توطئه سکوت.

تمایل سران جمهوری اسلامی به سپردن کشتار ۶۷ به بوته فراموشی، دور از انتظار نیست. این کشتار هیچ‌گونه توجیهی، حتی از نظر خود جانیان، پذیرا نیست. اگر با منطق ضد بشری آخوندها، بتوان تیرباران صدها نفر در یک شب را به بهانه زد و خورد های مسلحانه در بیرون از زندان توجیه کرد، حتی این منطق جنایتکارانه نیز از توجیه قتل هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ عاجز است. از این رو بود که شخص خمینی، کشتار ۶۷ را در زمره "اسرار نظام" نامید و قائم‌مقام خود را از جمله به خاطر افشای این راز از خود راند.

در سال ۶۷، چند هزار نفر که محکومیت زندان داشتند، در محاکمات چند دقیقه‌ای به اعدام محکوم شدند و به همان سرعت، به قتل رسیدند. معیار کشتار انسان‌ها در سال ۶۷، رسماً و جبراً تنها عقیده بود. چهره ضد بشری رژیم ولایت فقیه، در این کشتار، بدون هیچ پوششی به منصف ظهور رسید. به همان انگیزه‌ای که آخوندهای حاکم می‌کوشند کشتار ۶۷ برای همیشه به فراموشی سپرده شود، آزادخواهان ایران باید هر آنچه در توان دارند علیه توطئه فراموشی به کار بندند. سخن بر سر کینه و انتقام جویی در مقابل عفو و بخشایش نیست. هر قربانی یا بازمانده قربانیان جنایت رژیم، مختار است تا به حکم عقل و وجدان خویش، به نوبه خود هر آنچه را می‌خواهد ببخشد یا نبخشد (که البته هر عفو و بخشایشی، با پشیمانی بزرگ‌آغاز می‌شود که فعلاً هیچ نشانی از آن نیست). سخن بر سر آن است که فصل سپاه و در عین حال بسیار بااهمیتی از تاریخ معاصر کشور ما ثبت شود یا زیرگرد و غبار زمان مدفون گردد. مبارزه بر سر این دو نوع برخورد به کشتار ۶۷، یک مبارزه عمیقاً سیاسی است نه یک دعوی حقوقی. حقوق قربانیان و بازماندگان قربانیان کشتار ۶۷ برای طرح دعوی خود ادامه در صفحه ۲



## دکتر فروتن چشم از جهان بست



خبر یافتیم سه هفته پیش دکتر غلامحسین فروتن درگذشت. از کمیته‌های قدیمی که طی ۷۰ سال گذشته در تاریخ میهن ما نقش آفرین بوده‌اند، تنها تنی چند از آنان در قید حیات هستند. رفیق فروتن نیز تا روز هفدهم مرداد گذشته، از زمره این عده معدود بود. او ۸۷ سال عمر کرد و نزدیک به ۷۰ سال آن را در راه سعادت بشریت و راهی زحمتکشان ایران از رنج فقر و استثمار قرار داد.

دکتر فروتن با تأسیس حزب توده ایران در سال ۲۰، به این حزب پیوست و پس از مدت کوتاهی جزو کادرهای برجسته آن شناخته شد. رفیق فروتن در سال‌های ۳۰ به عنوان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک حزب نقش بسیار فعالی داشت. در جریان انشعاب جهانی در احزاب کمونیست وقت، او همراه دو عضو کمیته مرکزی دیگر حزب، احمد قاسمی و عباس سفایی، جناح طرفدار چین را رهبری می‌کرد. این سه نفر سرانجام از حزب توده ایران جدا شدند و در اندیشه احیای حزب توده ایران بر پایه باورهای ایدئولوژیک خود برآمدند.

از زمان انشعاب فروتن و یارانش، نزدیک به چهل سال می‌گذرد. امروز دیگر نه از شوروی سابق خبری هست و نه از آلبانی و نه از چین، آن گونه که فروتن می‌اندیشید خبری هست و یا دقیق‌تر باید باشد. بسیاری از اندیشه‌ها و تجسم‌های عینی اندیشه‌های آن زمان تغییر کرد، اما فروتن هرگز تغییر نکرد. عدم تحول فکری در فروتن، البته بیانگر جزم نام سستی بود که فکر و وجود او را پنجاه سال تمام در تسخیر خود گرفت و هیچگاه هم وی از آن قالب تغییرناپذیر رهایی نیافت. اما این عدم تحول، هرگز نمی‌تواند ارزش والای این انسان شرافتمند و بزرگ، که هم‌اکنون در ثبات وی در دفاع بی‌خود و پیگیر از منافع زحمتکشان بود، پرده ساتر بیفکند. فروتن، هیچگاه مقهور قدرت و مقام نشد و همواره با صلحان زور و درافتاد. ارزش او در آن نبود که منادی حقیقت بود، چراکه حقیقت دگم نیست. ارزش و عظمت فروتن در آن بود که به آن چه که حقیقت می‌پنداشت، شرافتمندانه باور داشت و در همه عمر خود هیچ‌گونه معامله‌ای بر سر باورهای خود ننهاد.

بزرگ‌ترین یادگار وی برای همه آن‌هایی که در اندیشه جهانی زبیا و پرسعادت برای همه بشریت هستند، همانا نفرت پایان‌ناپذیر وی به بیدادگری نظام طبقاتی حاکم بر جهان و باور خلل‌ناپذیر او به سرانجام نیک‌فرجام مبارزه زحمتکشان ایران و جهان است. این یادگار او برای ما عزیز است.

ما در اندوه درگذشت رفیق فروتن، با همه بازماندگان و یاران او شریکیم.

آیت‌الله امینی نایب رئیس مجلس خبرگان:

## از روحانیت گرفته تا مسئولان نظام برای جوانان هیچ کاری انجام نداده‌اند

آیت‌الله امینی نایب رئیس مجلس خبرگان در یک سخنرانی در قم اعتراف کرد که جمهوری اسلامی در مورد جوانان با بحران مواجه است. وی گفت: از روحانیت گرفته تا مسئولین نظام برای جوانان کاری انجام نداده‌اند. متأسفانه برای جوانان نه کار فرهنگی شده نه سیاسی و نه اقتصادی. وی افزود:

علی‌اکبر محتشمی:

## کارگزاران مانع عمده برنامه‌های خاتمی هستند

علی‌اکبر محتشمی معاون سیاسی رئیس‌جمهور، در سخنرانی که در تبریز ایراد کرد، کارگزاران سازندگی را به شدت مورد حمله قرار داد و آن‌ها را مانع عمده اجرای سیاست‌های خاتمی نامید.

محتشمی که در جمع نیروهای ائتلاف خط امام در تبریز سخنرانی می‌کرد در پاسخ به این سوال که عمده‌ترین موانع در برابر برنامه‌های رئیس‌جمهور چیست؟ گفت: به نظر من مانع عمده کارگزاران سازندگی هستند و این‌ها با رفتارهای خود بر سر راه اهداف ترسیم شده توسط رئیس‌جمهور مانع ایجاد می‌کنند. محتشمی گفت: همه می‌دانند که

جناح کارگزاران سازندگی آخرین گروهی بودند که به حمایت از آقای خاتمی برخاستند. تقریباً تا اسفند ماه ۷۵ که این‌ها تلاش می‌کردند برای ریاست جمهوری فردی را از میان خود کاندید کنند، مانند دکتر حبیبی که قبول نکرد. ولی چون مطمئن شدند که محبوبیت آقای خاتمی بیشتر از همه کاندیداهاست و افکار عمومی نظر مساعدی نسبت به آقای خاتمی دارد، حاضر شدند از آقای خاتمی حمایت کنند. چرا که دولت آقای خاتمی یا هر دولت دیگری از نظر کارگزاران محلی است که بعد از آن مجدداً آقای هاشمی سرکار بیاید. بنا براین در

سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه دو هفته پیش تهران، نخستین حمله آشکار او به برنامه‌های توسعه سیاسی خاتمی تلقی شد. رفسنجانی در سخنان خویش خواستار بازگشت به «دوران سازندگی» شد. این سخنان، با واکنش‌های انتقادی از طرفداران خاتمی روبرو شده است.

هاشمی رفسنجانی که همواره توجیه‌کننده و مدافع اوضاع اقتصادی ایران بوده است، این بار با صراحت بی‌سابقه به انتقاد از اوضاع اقتصادی کشور پرداخت و این اوضاع را ناشی از سیاست‌های خاتمی دانست. وی با اشاره به اوضاع بحرانی خواستار بازگشت به سیاست‌های دوران سازندگی شد: «من امروز احساس می‌کنم تکلیف همه ما و شماها و مردم، مطبوعات، ارگان‌ها، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، بنیادهای ما داریم، احزاب، گروه‌ها این است که همه دست به دست هم دهیم و نگذاریم این اتفاقی که دارد در کشورمان می‌افتد، بپزد. بنده که تجربه کاری هم دارم، راه دیگری به‌نظرم نمی‌آید جز اینکه دوباره فضای سازندگی را در کشور فعال بکنیم. این راه اجرایی هم دارد و دولت دارد کار می‌کند و برنامه‌ریزی می‌کند. فضای سازندگی جواب همه اینهاست». رفسنجانی به طور غیرمستقیم خاتمی و نیروهای جناح چپ حکومت را خطاب قرار داد و افزود: «خدمت نمی‌کنند کسانی که از این فضا ما را دور می‌کنند. یعنی به خودشان هم خدمت نمی‌کنند. ما به هر حال به یک جایی می‌رسیم که باید از راه‌های دور که عقب افتادیم دوباره برگردیم. که این برای کشور مشکل درست می‌کند». رفسنجانی افزود: «زندگی در شهر و شعاع دادن و روی

## پناهجویان ایرانی در ترکیه اعتصاب غذا کردند

پناهجویی باقی مانده از این گروه همراه با ۸ پناهجوی دیگر از دوشنبه گذشته اعتصاب غذا کردند. این نفر از سال ۹۶ در ترکیه وضعیت نامشخصی دارند و قبلاً نیز در اعتصاب غذای طولانی پناهجویان در ترکیه شرکت داشته‌اند.

روز چهارشنبه هفته گذشته وزارت کشور ترکیه اعلام کرد که اگر این ۹ پناهجو به اعتصاب غذای خود پایان ندهند، آن‌ها را به ایران باز خواهند گرداند. پناهجویان از همه نیروهای دموکراتیک درخواست حمایت کرده‌اند. شماره تلفن تماس با این پناهنگان در دفتر حزب کار ترکیه این است: ۰۰۹۰ - ۳۷۶۲ - ۴۷۹۶۳۱۷

## پناهجویان ایرانی در ترکیه فشارهای هر روزه روانی و مادی

عنوان پناهنده سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند و ۸ «کیس» نیز ردی یک ماهه دارند. بقیه را به طور کامل رد کرده‌اند و پرونده‌هایشان بسته اعلام شده و در معرض بازگشت به ایران قرار دارند. اکثر این‌ها هواداران جریان‌های سیاسی و اقلیت‌های مذهبی (بیشتر بهایی) می‌باشند. در این شهر هزینه خوراک و پوشاک پناهجویان به عهده خود آنان است و UN در آغری فقط پول کرایه هتل را می‌پردازد. به همین خاطر پناهجویان در این شهر در سخت‌ترین و مشقت‌بارترین شرایط قرار دارند. وکیل UN در این شهر خانمی است به نام فریاد همسرش والی شهر دغو با یزید می‌باشد و در فشار به پناهندگان آن شهر با پلیس همکاری می‌کرده است. صاحب هتل آغری یکی از رابط‌های پناهندگان با خانم شریا و وکیل‌های UN می‌باشد. در بیشتر موارد، رشوه و پرداخت پول از طرف پناهندگان به وکلای این طریق همین صاحب هتل صورت می‌گیرد. حتی برخی از مترجم‌ها نیز رشوه خواهی می‌کنند و یکی از پلیس‌های شهر برای گرفتن رشوه، حتی پناهندگان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد.

در آغری ۹۵/۵/۲۰ پناهنده‌ای به نام شکرالله از وضعیت اسفبار هتل آغری و رشوه‌گیری وکیل‌های آنجا، به امنیت شهر آغری رفته و شکایت کرد. پلیس امنیت، ضبط صوت کوچکی را برای ضبط گفتگوهای صاحب هتل در اختیار او قرار داد و حتی ۵۰۰۰ دلار پول برای پرداخت رشوه در اختیار او گذاشت. به هنگام دادن این پول به صاحب هتل، پلیس امنیت از آن‌ها عکس گرفت و نحوه رشوه‌گیری به این ترتیب افشا شد. امنیت آغری هتل را محاصره کرده و به مدت ۲۵ روز تمامی ارتباطات تلفنی با هتل قطع شد و در این مدت اجازه خروج هم به کسی ندادند. UN هم در پی این اقدام، «کیس»‌های قبول شده آن هتل را دوباره مورد تجدیدنظر قرار داد. چند وکیل عوض شدند. اکتای و چند وکیل دیگری که در رشوه‌گیری اشکارا دست داشته‌اند اخراج شدند و صاحب هتل دستگیر شد که هنوز هم در زندان است و تا این لحظه سبایل بسیاری را افشا کرده است.

اما وضع هتل کماکان تغییری ادامه در صفحه ۱۱

گروهی از پناهجویان ایرانی در ترکیه، از روز دوشنبه هفته گذشته در محل حزب کار ترکیه اعتصاب غذا کرده‌اند. اعتصاب غذای این گروه از پناهجویان در اعتراض به وضعیت نامشخص تقاضای پناهندگی آنان در ترکیه است.

نزدیک به ۳ ماه پیش دولت ترکیه ۱۲ پناهجوی ایرانی که درخواست پناهندگی سیاسی داشتند را به مرز کشور عراق برده و در آن جا رها ساخت. مقامات عراقی این گروه را نپذیرفتند و سفارت استرالیا در ترکیه حاضر شد ۱۱ نفر از افراد فوق را بپذیرد. این یازده نفر دوشنبه هفته گذشته ترکیه را به سوی استرالیا ترک کردند. تنها

اکثر مسایلی که پیش می‌آید، اینان آقای خاتمی را درگیر می‌کنند تا بعد آقای هاشمی به عنوان میانجی و منجی و به عنوان شخصی فراتر از همه گزاشات بیاید این‌ها را آشتی دهد. این سیاست کارگزاران است!

معاون سیاسی رئیس‌جمهور در سخنان خود بر خطر «جریان سوم» نیز انگشت گذاشت و گفت: در حال حاضر به دلیل اختلاف نظری که بین نیروها وجود دارد، جریان سومی است که می‌خواهد این اختلافات را تشدید کرده و خود از این فضا استفاده کند. این یک پدیده جدی است که باید همه مواظب باشیم.

## رفسنجانی خواستار بازگشت به «دوران سازندگی» شد

● روزنامه توس نوشت رفسنجانی بار دیگر به جناح راست انحصارطلب نزدیک می‌شود

صندلی‌ها نشستن، دلسرد کردن آنها خیلی خطرناک است. دوباره تا یک نسلی حاضر شود این کارها را بکنند طول می‌کشد... این طور نمی‌شود که کشور را اداره بکنند».

وی ضمن دفاع از برنامه‌های اقتصادی خود به توجیه فساد در لایه‌های بالای حکومت پرداخت و گفت «اگر در توسعه و سازندگی یک نفر ممکن است پولدار شود در فقر و بدبختی هزارها زن ممکن است غفت خود را از دست بدهند. هزارها خانه ممکن است که دچار دزدی شوند، هزارها قساقچه‌چی ممکن است در کشور سبز شود. فساد همه جا را می‌گیرد. یک قله فساد و یا یک بدنه فساد؟»

سخنان رفسنجانی با واکنش منفی گسترده‌ای مواجه شد. روزنامه همشهری با چند روز تأخیر این سخنان را به چاپ رساند و در مقاله‌ای به نام «حق هاشمی رفسنجانی کمتر از دیگران نیست» کوشید انتقادات صریح او به دولت خاتمی را انتقاد به جناح راست و انمود سازد (از دوستان و عزیزان و حامیان حماسه عظیم دوم خرداد انتظار می‌رود که هدف پیکان اشارت هاشمی را که هوشمندانه، مدعیان دروغین عدالت اجتماعی را نشانه رفته است، دریابند. هاشمی روز جمعه کوشید پرده ریاکاری شیفتگان تجارت پرسود به قیمت تباه کردن تولید را ببرد و چنین کرد. همشهری نوشت: «برخی دوستان آن را (سخنان رفسنجانی را) نشانه خودنمایی عصر سازندگی در برابر عصر مکمل آن یعنی جامعه مدنی تعبیر کردند. اما واقع امر چنین نیست».

چند روز بعد از این سخنان، روزنامه توس به نحو کم سابقه‌ای به هاشمی رفسنجانی حمله کرد. این روزنامه در

مقاله‌ای به نام «بهای سنگین آزادی را می‌پردازیم» به قلم مهرداد بایگان نوشت که او دوباره به جناح «راست انحصارطلب» نزدیک می‌شود: «سخنان هاشمی برای تعدیل سوگیری‌های فرهنگی و سیاسی توسعه و در باب لزوم بازگشت دوباره فضای سازندگی به جای این شعارهای بی‌پشتوانه! اعلامتی از نزدیک شدن ایشان به مواضع جناح انحصار است هر چند ایشان و جناح انحصار از دو نقطه عزیمت گوناگون رهسپار این نقطه تلاقی شده‌اند. این تلاقی و وقایع مقطعی و «مصلحتی» یادآور نزدیکی اتفاقی دیگری است که میان ایشان و همین جناح در آغاز دوره نخست ریاست جمهوری ایشان در سال ۱۳۶۸ برای یک طرفه کردن آرایش سیاسی کشور حاصل شد... این نزدیکی همچنین یادآور نزدیکی اتفاقی دیگری است که در آستانه انتخابات هفتم ریاست جمهوری میان ایشان با جناح هوادار خاتمی (مغضوبان دیرروز) در برابر مستحدمان دیرروز (جناح راست) به وقوع پیوست. اینها را نباید اتفاقی دانست. اینها و وقایع چندی دیگر نشانگر روش و منش سیاسی هاشمی است».

توس در ادامه مقاله خود نوشته است: «آقای هاشمی باید بدانند که همان طور که توسعه اقتصادی بهایی داشت و دارد که به قول خود ایشان ممکن است به فدا شدن یک نسل بینجامد، توسعه فرهنگی و سیاسی هم بهایی دارد که باید آن را پرداخت و مطمئن باشند آن بها هر چه باشد از فدا شدن یک نسل تحمل کردنی تر و پرداختنی تر است زیرا در عین حال ضامن دوام، بقا و نهادینه شدن توسعه اقتصادی نیز هست».

جناح راست با تقلب کمسیون ماده ۱۰ را نیز قیضه کرد

علتی و با ورقه، کارت‌هایی در اختیار نمایندگان قرار می‌گیرد که نام هر نماینده بر روی آن‌ها نوشته شده است. در این تقلب به سود جناح راست پایان یافت. برای این انتخابات مجید انصاری و اسماعیل چهارزاده از جناح اقلیت و موحدی ساوجی و درویش زاده از جناح اکثریت کاندید شدند و جناح اکثریت برنده این انتخابات شد.

بعد از رای‌گیری، ۲۵ نفر از نمایندگان مجلس نسبت به سخندوش بودن رای‌گیری اعتراض کردند. به گفته این نمایندگان، در رای‌گیری‌های

بنای ادعای فراقسیون اقلیت مجلس، رای‌گیری برای انتخاب دو نماینده مجلس جهت حضور در کمسیون ماده ۱۰ احزاب، با تقلب به سود جناح راست پایان یافت. برای این انتخابات مجید انصاری و اسماعیل چهارزاده از جناح اقلیت و موحدی ساوجی و درویش زاده از جناح اکثریت کاندید شدند و جناح اکثریت برنده این انتخابات شد.

بعد از رای‌گیری، ۲۵ نفر از نمایندگان مجلس نسبت به سخندوش بودن رای‌گیری اعتراض کردند. به گفته این نمایندگان، در رای‌گیری‌های

## گفتگو با رفیق مینا لبادی...

مینا: یک عرصه کمک مالی است. کمترین کاری که ما در حال حاضر می‌توانیم برای این خانواده‌ها انجام بدهیم، اختصاص مبلغ بسیار ناچیزی است که در خارج کشور بر هیچ کس فشاری وارد نمی‌کند، اما مشکلات جدی را می‌تواند حل کند.

اکنون بچه‌های رفقای ما بزرگ شده‌اند و می‌خواهند ادامه تحصیل دهند. این عزیزان را در دانشگاه‌های دولتی راه نمی‌دهند و در دانشگاه‌های پولی (آزاد، پیام نور...) نمی‌توانند ادامه تحصیل دهند و امکان مالی آن هیچ وجه وجود ندارد. در این زمینه در خارج کشور می‌توان اقداماتی انجام داد. چرا نباید برخی که در خارج کشور امکان مالی بهتری دارند تحصیل یک نفر از آنان را بعهده بگیرد؟

با تمام انواع مشکلات مشخصی که برای یک زن تنها در ایران وجود دارد، همسران رفقای شهید امکانات محدودی در گرفتن شغل دارند، شغل دولتی هم به آنان نمی‌دهند. مجبور هستند در شرکت‌های خصوصی استخدام شوند و با حقوق بسیار ناچیز فرسایشی انجام دهند. ما می‌توانیم این رفقا را حتی در مواردی با کمک برای خروج از کشور یاری کنیم، تا حداقل پس از این دوران طولانی و سختی‌های غیر قابل وصف، یک زندگی با مشکلات کمتری را داشته باشند.

من در در آستانه دهمین سالگرد شهدا به خاطره همه یاران شهید درود می‌فرستم.

رفیق مینا لبادی از شما برای شرکت در این گفتگو بسیار متشکرم.

## حجت‌الاسلام رازینی...

ادامه از صفحه اول می‌کند. روزنامه رسالت با استناد به «افراد موثق»، نوشته است: «۱۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری وزارت ارشاد از محل اموال دولتی در حساب شخصی بر اساس ۱۸ درصد سود در سال صورت گرفته و از محل ۱۸ میلیارد تومان، یعنی ماهانه ۱۷/۵ میلیارد تومان سود نصیب وزارت ارشاد می‌شود». رسالت افزوده است: «چون طبق قانون به حساب دولتی دست‌انگازها، سود پرداخت نمی‌شود لذا وزارت ارشاد اقدام به جابجایی اموال دولتی به حساب شخص فردی به نام ... کرده است».

طرفداران هر دو جناح در دفاع از اقدام خود می‌گویند که جابجایی پول‌ها با اطلاع مقام رهبری بوده و از آنجا که طبق قانون به حساب‌های دولتی دست‌انگازها، سود پرداخت نمی‌شود، اقدام به انتقال دارایی‌ها به نام اشخاص حقیقی کرده‌اند. تاکنون خامنه‌ای نسبت به اظهارات رازینی مبنی بر این که وی با اطلاع خامنه‌ای پول دادگستری تهران را به حساب شخصی واریز کرده، سخنی نگفته است. این نخستین بار نیست که وقتی یک مقام بلندپایه به اختلاس و دزدی متهم می‌شود نام خامنه‌ای به میان می‌آید و متهمان می‌گویند اقدام آنان با اطلاع وی بوده است. رهبر فراتر از قانون قرار دارد و خود را موظف نمی‌داند بر این دستورات خود حتی توجیه قانونی بیابد.

بر اساس نوشته روزنامه بر اساس تاس، خامنه‌ای در پاسخ به نامه محسن نوری‌بخش رئیس کل بانک مرکزی که به چگونگی نقل و انتقال ۳/۵ میلیارد تومان پول دادگستری به حساب شخصی حجت‌الاسلام علی رازینی اختصاص دارد، دستور داده که کمیته تحقیق به موضوع رسیدگی کند. طبق نوشته همین روزنامه «هزینه گروه‌های فشار و بسیاری از اعمال خلاف قانون چند ساله اخیر از همین منبع تأمین شده است». همچنین جرایمی که با زور و به عنوان ندم غیر مجاز آتن مواهره و عدم رعایت حجاب از مردم اخذی شده به همین حساب شخصی حجت‌الاسلام رازینی واریز گردیده است.

در برابر دزدی چند میلیارد تومانی رئیس دادگستری کل تهران، خیر دزدی ۵۴۰ هزار مارکی حسین محلوچی وزیر سابق معادن و فلزات در سایه قرار گرفته است. طبق گزارش دیوان محاسبات کشور حسین محلوچی و معاون وی علی شکرریز در سال‌هایی که در کابینه هاشمی رفسنجانی بودند، ۵۴۰ هزار مارک اختلاس کرده‌اند و پرونده آنان برای رسیدگی و صدور رای نهایی در دست بررسی است. در این پرونده نام غفوری فرد و قانیه هاشمی هم ذکر شده است.

بدون شک شمار دزدان اموال و دارایی‌های کشور به چند اسم محدود نیست. نام‌های بسیاری هستند که باید از پرونده دزدی‌های آنان پرده برداشت. اما چگونه با این دستگاه قضایی فاسد مگر می‌توان به مبارزه با فساد اداری پرداخت. کمیته‌ای که به دستور خامنه‌ای برای تحقیق در پرونده رازینی تشکیل شده، به یقین گزارش نوری‌بخش رئیس کل بانک مرکزی را تأیید خواهد کرد. آیا این گزارش هم در کنار گزارش شکنجه شهرداران توسط دستگاه قضایی قرار خواهد گرفت و خامنه‌ای از پیگیری آن چشم خواهد پوشید؟

## کارخانه‌ها از پرداخت حقوق کارگران سرباز می‌زنند:

## کارگران: حقوق ما را بدهید!

پیش، کارگران شرکت تنها دو روز در هفته و هر روز ۵ ساعت کار می‌کنند.

## کارخانه الکترونیک رشت

● روزنامه کار و کارگر از یک اعتراض کارگری دیگر در رشت خبر داد. کارگران کارخانه الکترونیک رشت در مقابل استانداری گیلان اجتماع کردند و به عدم پرداخت حقوق‌ها اعتراض کردند. به نوشته این روزنامه، در تاریخ ۲۰ تیرماه گذشته، مدیریت کارخانه برای شانه خالی کردن از پرداخت حقوق‌ها، دو هفته تعطیلات تابستانی اعلام کرد که مورد اعتراض شدید بیش از ۴۰۰ کارگر کارخانه قرار گرفت.

## کارخانه گچ تهران

● کارگران کارخانه گچ تهران در برابر دفتر این شرکت تظاهرات کردند. هدف این تظاهرات، اعتراض به عدم پرداخت بخشی از حقوق‌ها بود. در پی انتقال کارخانه مزبور از حوالی سد لتیان به نزدیکی گرمسار، کارگران این کارخانه بازخیزید شدند، اما مدیریت کارخانه از پرداخت باقی‌مانده سنوات آنان خودداری کرده است.

بانک مسکن می‌گوید: مالک کارخانه وقتی برگشت بدون اجازه شرکا خط تولید را عوض کرد و به علت این که نتوانست برنامه خود را عملی کند، کارخانه را تعطیل کرد و بدون تعیین تکلیف کارگران از ایران رفت. بانک‌های شریک چون در اقلیت هستند، نمی‌توانند در این مورد تصمیم قانونی اتخاذ کنند. کارگران همچنان بلا تکلیف هستند و حقوقشان پرداخت نشده است. نمایندگان بانک و مالک کارخانه به این نتیجه رسیدند که کارخانه را بفروشند و از آن محل حقوق کارگران را بدهند! آینده کارگران چه می‌شود؟ کسی در این مورد مسئولیتی بر عهده نمی‌گیرد!

## شرکت فرش اکباتان قزوین

● کارگران شرکت فرش اکباتان قزوین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌ها در برابر دفتر نماینده خامنه‌ای دست به تظاهرات زدند. حقوق کارگران این کارخانه نیز از پنج ماه پیش پرداخت نشده است. به گفته کارگران، از سال ۷۵ که ۴۸ درصد سهام این شرکت به سازمان بازنشستگی واگذار شد، سیر نزولی فعالیت‌های شرکت آغاز گردید. از یک سال و نیم

بزرگ‌ترین و مجهزترین تولیدکننده مصنوعات چوبی در سطح خاورمیانه است و تا یک سال قبل تحت پوشش بانک ملی ماه‌های اخیر اعتراضات کارگران به طور چشمگیری افزایش یافته است و پرداخت به موقع دست‌مزدها و حقوق‌ها، به یکی از خواست‌های اصلی این اعتراضات تبدیل گردیده است.

## شرکت صنایع چوب ایران

● صد‌ها نفر از کارگران شرکت صنایع چوب ایران روز سه‌شنبه هفته گذشته در برابر فروشگاه این شرکت برای دریافت حقوق معوقه خود تظاهرات کردند. یکی از کارگران به خبرنگار روزنامه توس گفت: «۵ ماه است که یک ریال حقوق نگرفته‌ایم، همه ما نیازمند هستیم و درآمد دیگری نداریم. سهام‌داران این کارخانه بانک مسکن، ملی و شخصی به نام حسن عبداللهی هستند که عبداللهی در حال حاضر در آمریکا به سر می‌برد و هیچ کدام جوان‌گویی ما نیستند. ما تصمیم گرفتیم آن قدر این جا بمانیم تا وضع ما معلوم شود». بختیاری، نماینده کارگران در مورد وضعیت کارخانه گفت: «می‌گویند این شرکت

## خاموشی: برای ایجاد اشتغال، شمول قانون کار باید محدود شود

عبدالرحمان تاج‌الدینی، عضو کمیسیون کار مجلس، در همایش یک روزه کارگران تبریز برای دفاع از قانون کار گفت: امروزه ارزش افزوده حاصل از کار کارگران به صورت متورم شدن ثروت‌های ایجادآورده در دست افرادی مشاهده می‌شود که از لزوم تغییر در قانون کار دم می‌زنند. این نماینده مجلس با اشاره به این که بعضی افراد در صدد از بین بردن فرصت‌های شغلی فعلی هستند، افزود: این افراد در صددند تا با توسل به قانون، شغل‌های ایجاد شده را از بین ببرند و از این طریق از پرداخت حداقل دست‌مزد به کارگران رها می‌یابند. وی راه رفع مشکل اشتغال را برداشتن موانع سرمایه‌گذاری در صنعت و سایر بخش‌های تولیدی نامید.

به قانون کار و متعالی دانستن آن، پیشنهاد کردیم که این قانون برای واحدهای تا زیر ۱۰ نفر کارگر بلا اثر باشد که اولین اثر آن این خواهد بود که حداقل نیمی از ۶۵۰ هزار واحد صنعتی موجود در استان تهران، اقدام به استخدام حداقل یک کارگر خواهند کرد که در این صورت بیش از ۳۰۰ هزار شغل بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای از سوی دولت، ایجاد خواهد شد.

به قانون کار و متعالی دانستن آن، پیشنهاد کردیم که این قانون برای واحدهای تا زیر ۱۰ نفر کارگر بلا اثر باشد که اولین اثر آن این خواهد بود که حداقل نیمی از ۶۵۰ هزار واحد صنعتی موجود در استان تهران، اقدام به استخدام حداقل یک کارگر خواهند کرد که در این صورت بیش از ۳۰۰ هزار شغل بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای از سوی دولت، ایجاد خواهد شد.

علی‌نقی خاموشی، عضو شورای مرکزی جمعیت مولفان اسلامی و رئیس اتاق بازرگانی، در میزگردی که از سوی جمعیت مولفان پیرامون طرح سامان‌دهی اقتصادی برگزار گردید، خواهان تسهیل قانون کار به نفع کارفرمایان شد. خاموشی با اشاره به لزوم ایجاد اشتغال گفت: در حال حاضر یک میلیون تومان هر شغل صنعتی ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان برای دولت هزینه دربر دارد که به توجیه به لزوم ایجاد ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار شغل در سال، چنین امکانی برای دولت وجود ندارد. بنابراین این باید با تسهیل مقررات، بخش خصوصی را برای ایجاد اشتغال در کشور کمک کرد. خاموشی افزود: ماضن احترام

## فوتبال: شکست غیرمنتظره تیم ملی جوانان



تیم ملی فوتبال جوانان با ناکامی در مقابل بحرین از ورود به مرحله نهایی جام ملت‌های آسیا محروم شد. جوانان ما که در دو دیدار اول و دوم خود موفق شدند تیم‌های ملی جوانان قطر و یمن را شکست دهند، بعنوان شانس اول صعود از این گروه به شمار می‌آمدند. در دیدار با تیم ملی جوانان بحرین، جوانان ما برای صعود احتیاج به یک مساوی داشتند که با ارائه یک بازی پراشتباه و سردرگم تن به شکست در مقابل این تیم دادند و از راهیابی به مرحله بعدی بازماندند.

تیم ملی فوتبال جوانان با ناکامی در مقابل بحرین از ورود به مرحله نهایی جام ملت‌های آسیا محروم شد. جوانان ما که در دو دیدار اول و دوم خود موفق شدند تیم‌های ملی جوانان قطر و یمن را شکست دهند، بعنوان شانس اول صعود از این گروه به شمار می‌آمدند. در دیدار با تیم ملی جوانان بحرین، جوانان ما برای صعود احتیاج به یک مساوی داشتند که با ارائه یک بازی پراشتباه و سردرگم تن به شکست در مقابل این تیم دادند و از راهیابی به مرحله بعدی بازماندند.

## جلال طالبی هم رفت

کارنامه موفقی از خود نشان داده بود و انتظار می‌رفت تا وی کشتی شکسته فوتبال ایران را به ساحل امنی برساند، با ذکر مشکلات خانوادگی و گرفتاری

جلال طالبی سرمربی تیم ملی فوتبال به دلیل بعضی مشکلات خانوادگی و بیماری همسرش از مقام خود استعفا کرد. طالبی که در مدت کوتاه مسئولیت خود

## روزنامه جمهوری اسلامی:

## آدم و حوا را به خاطر سوءاستفاده از آزادی

## از بهشت بیرون کردند و قایل به خاطر

## وجود آزادی هایبیل راکشت!

روزنامه جمهوری اسلامی در یک «بحث تاریخی» پیرامون آزادی، مدعی شد که بیرون راندن آدم و حوا از بهشت در نتیجه سوءاستفاده از آزادی بوده است و هایبیل نیز با سوءاستفاده از آزادی، قایل راکشت. ادعای روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای به نام «نامه‌هایی به فرزندان پاره آزادی»، طرح شده است. در این «نامه» از جمله می‌خوانیم: «برایم نوشته بودی از تاریخ آزادی برایت بنویسم. اول فکر کردم شوخی کرده‌ای. چون از کودکی‌ات تا حال، هر وقت راجع به چیزی از من سؤال کردی به تو می‌گفتم اول سراغ تعریف تاریخی یا شناخت تاریخی آن چیز برو و بعد به شناخت‌های دیگرش بپرداز...»

روزنامه جمهوری اسلامی در یک «بحث تاریخی» پیرامون آزادی، مدعی شد که بیرون راندن آدم و حوا از بهشت در نتیجه سوءاستفاده از آزادی بوده است و هایبیل نیز با سوءاستفاده از آزادی، قایل راکشت. ادعای روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای به نام «نامه‌هایی به فرزندان پاره آزادی»، طرح شده است. در این «نامه» از جمله می‌خوانیم: «برایم نوشته بودی از تاریخ آزادی برایت بنویسم. اول فکر کردم شوخی کرده‌ای. چون از کودکی‌ات تا حال، هر وقت راجع به چیزی از من سؤال کردی به تو می‌گفتم اول سراغ تعریف تاریخی یا شناخت تاریخی آن چیز برو و بعد به شناخت‌های دیگرش بپرداز...»

روزنامه جمهوری اسلامی در یک «بحث تاریخی» پیرامون آزادی، مدعی شد که بیرون راندن آدم و حوا از بهشت در نتیجه سوءاستفاده از آزادی بوده است و هایبیل نیز با سوءاستفاده از آزادی، قایل راکشت. ادعای روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای به نام «نامه‌هایی به فرزندان پاره آزادی»، طرح شده است. در این «نامه» از جمله می‌خوانیم: «برایم نوشته بودی از تاریخ آزادی برایت بنویسم. اول فکر کردم شوخی کرده‌ای. چون از کودکی‌ات تا حال، هر وقت راجع به چیزی از من سؤال کردی به تو می‌گفتم اول سراغ تعریف تاریخی یا شناخت تاریخی آن چیز برو و بعد به شناخت‌های دیگرش بپرداز...»

روزنامه جمهوری اسلامی در یک «بحث تاریخی» پیرامون آزادی، مدعی شد که بیرون راندن آدم و حوا از بهشت در نتیجه سوءاستفاده از آزادی بوده است و هایبیل نیز با سوءاستفاده از آزادی، قایل راکشت. ادعای روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله‌ای به نام «نامه‌هایی به فرزندان پاره آزادی»، طرح شده است. در این «نامه» از جمله می‌خوانیم: «برایم نوشته بودی از تاریخ آزادی برایت بنویسم. اول فکر کردم شوخی کرده‌ای. چون از کودکی‌ات تا حال، هر وقت راجع به چیزی از من سؤال کردی به تو می‌گفتم اول سراغ تعریف تاریخی یا شناخت تاریخی آن چیز برو و بعد به شناخت‌های دیگرش بپرداز...»

## به دلیل بحران اقتصادی،

## نداشتن نقدینگی و سرمایه در گردش

## کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند

تعلیل شده مربوط به واحدهای تولید و پرورش مرغ، ریسندگی و بافندگی، صنایع فلزی و لوازم خانگی ذکر شده است. به نوشته روزنامه رسالت، تعطیل واحدهای تولیدی در سال جاری شتاب بیشتری گرفته است. به گفته مدیرکل صنایع استان مازندران، تا پایان اردیبهشت ماه امسال تنها در این استان ۷۰ واحد تعطیل و ۶۹ واحد نیمه فعال وجود داشته است.

بر اساس گزارش سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا، به دلیل مشکلات اقتصادی، تا فروردین امسال ۴۲۳ واحد تولیدی تنها در ۲۳ استان کشور تعطیل شده است. بنا بر این گزارش، این تعداد از واحدهای تعطیل شده، تنها شامل بخشی از تعداد واقعی واحدهای تولیدی غیرفعال است که ظرف مدت کوتاهی در ۲۱ استان کشور شناسایی شده و تعداد واحدهای تعطیل شده، بیش از این‌هاست. دلایل تعطیلی این واحدها نداشتن نقدینگی، نداشتن سرمایه در گردش و عدم ارزیابی تسهیلات بانکی ذکر شده است. رکود بازار و انباشت تولید کارخانه‌ها، عدم توانایی مدیریت، کمبود مواد اولیه، بالا بودن هزینه تولید از جمله دلایل دیگر ورشکستگی واحدهای تولیدی است. بیشترین واحدهای

روشن نیست. اخبار واصله حاکی از آن است که جلال طالبی از چندی قبل با تیم سن‌خوزه کلاش آمریکا به عنوان مربی یک قزاق را امضا کرده است.

خصوصی حاضر به ادامه همکاری در سمت مربی تیم ملی فوتبال ایران نشد و فقط به پست سمپلیک مشاور فنی رضایت داد. چگونگی کامل این تصمیم

### انتخابات خبرگان زیر کنترل...

ادامه از صفحه اول

مربک از نمایندگان وابسته به جناح راست و ترجیح منافع گروهی و جناحی بر مصالح عالی نظام و رهبری، نه تنها مشروعیت، ثبات، اقتدار نظام و رهبری و همبستگی دینی و ملی را آسیب می‌رساند، بلکه منافع گروهی انحصارطلبان را نیز در ایران امروز و فردا به خطر خواهد انداخت.

#### جناح راست:

**میزان، شرکت مردم نیست**  
جناح راست حکومت به هیچ یک از این همدارها و سهم خواهی‌ها توجهی نمی‌کند و عزم خود را جزم کرده است که با استفاده از هر شیوه‌ای، یک مجلس مطیع خویش فراهم آورد. آن‌ها از هم اکنون پیه عدم شرکت مردم را نیز به تن سالیده‌اند و چنین استدلال می‌کنند که در انتخابات خبرگان، حضور کمرنگ مردم «طبیعی» است. رسالت نوشتن است: مقایسه انتخابات خبرگان با انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس و حتی شوراهای مقایسه‌ای خالی از اشکال نیست... این که کسانی اعلام کنند در انتخابات خبرگان باید ۳۸ میلیون نفر شرکت کنند و یا میزان شرکت‌کنندگان در انتخابات خبرگان باید حداقل ۳۰ میلیون باشد که در غیراین صورت به «مشروعیت رهبری» آسیب می‌رسد و یا رهبری تضعیف می‌شود، از هیچ برآورد واقعی حکایت نمی‌کند، ضمن این که مشروعیت رهبری برخاسته از رای خبرگان ملت است.

#### رهبر را خدا انتخاب می‌کند

جناح راست قصد دارد که فرمان‌روایی کامل روحانیون را بر مجلس خبرگان حفظ کند و هیچ غیرروحانی را به آن راه ندهد، هر چند استدلالش بسیار عوامانه باشد. آیت‌الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان در این باره اخیراً گفته است: شما اگر اهالی یک روستا را جمع کنید و بگویید از میان این ده دکتر متخصص، یکی عدم برگزاری امتحان و پذیرش گواهی اجتهاد از سوی مراجع عظام تقلید، شده‌اند. در همه این بیانی‌ها، به شورای نگهبان در مورد حذف کاندیداهای جناح طرفدار دولت هشدار داده شده است. مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانی‌های که به این مناسبت انتشار داده‌اند، از خطر تشکیل «مجلس شبه انتصابی» سخن گفته‌اند و نوشته‌اند: انتخابات مجلس خبرگان در این دوره بیش و پیش از آن که آزمایشی از حضور مردم و وفاداری آنان به نظام و رهبری باشد، آزمونی از میزان مردم‌سالاری شورای نگهبان و همه دست‌اندرکاران و مسئولان برگزاری انتخابات و صحنه‌ای از حدود اعتماد به ملت، قبول حاکمیت و انتخاب ملی است. این سازمان به بیانیه خویش تصریح کرده است: تشکیل مجلسی شبه انتصابی و

### دشواری در مذاکرات وزیر خارجه فرانسه با مقامات جمهوری اسلامی بر سر نقض حقوق بشر در ایران

ایرانی پیش و دیدگاه خود را در این زمینه کاملاً روشن کرده، «نقطه‌ی آغازی» برای بحث‌های بعدی در این زمینه دانست و به این ترتیب تلویحاً اذعان کرد که در این زمینه پیشرفتی در مذاکرات صورت نگرفته و طرف فرانسوی به سرعت «به خط قرمز» تحمل سران جمهوری اسلامی رسیده است. کمال خرازی هم با طبیعی دانستن «اختلاف نظر کشورها در برخی موارد» به علت تفاوت «فرهنگ‌ها و ارزش‌های آنان» اعلام کرد که در مذاکرات انجام شده بر سر همه مسائل توافق حاصل نشده است. مذاکرات وزیر خارجه فرانسه با مقامات جمهوری اسلامی عمدتاً بر سر مسائل سیاسی دور می‌زد. وی در این مذاکرات علاوه بر اصلی‌ترین مسائل مورد نظر مقامات اروپایی یعنی نقض حقوق بشر، صدور ترورسیم، تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی، فتوای قتل سلمان رشدی و مخالفت با روند صلح خاور میانه، بر سر مسئله افغانستان و بهبود مناسبات اقتصادی فی‌مابین نیز گفت‌وگوهایی انجام داد. ظاهراً از میان کلیه این موارد تنها بر سر مسئله افغانستان و بهبود مناسبات اقتصادی هم نظری نسبی وجود داشته است. در این با وجود تأکید و تمایلش بر توسعه مناسبات اقتصادی اظهار داشت که شالوده چنین روابطی داشتن ملاک‌های مشخصی است و مشکلات اداری عسیدهدنی در این راه وجود دارد که مقامات جمهوری اسلامی قول رفع آن را داده‌اند. با این‌که در فهرست دیدارهای و درین کسی از جناح خامنه‌ئی به چشم نمی‌خورد، وی در مصاحبه مطبوعاتی خود اظهار داشت که با نمایندگان دو جناح دیدار داشته است و وی در پاسخ سؤال یک خبرنگار که چگونه در شرایطی که دید کاملی از ایران ندارد به فرانسه برمی‌گردد، گفت: «ما با وجود آن‌که دیدارها برایش جالب بوده است، به احساس لحظه‌ئی پسند نمی‌کند و پس از

تجزیه و تحلیل کاملی که از تمام دیدارهای اعضای هیئت به عمل خواهد آمد، ارزیابی قابل‌اتکائی که حداقل خطا در آن باشد ارائه خواهد شد. وی با اشاره به سفر احتمالی وزیر بهداشت فرانسه به ایران گفت: اگر موارد همکاری دو کشور مشخص شود میزان دیدارهای هیئت ایرانی و فرانسوی از کشورهای یکدیگر رو به فزونی خواهد یافت، وی حتی از امکان سفر رؤسای جمهور ایران و فرانسه به کشور یکدیگر سخن گفت، اما «محتاطانه» چنین سفرهایی را به «هم‌آهنگی» خود آنان منوط کرد. پس از ۷ سال وقفه این نخستین باری بود که یک وزیر خارجه فرانسه از تهران دیدار می‌کرد. در آن زمان رولان دوما وزیر خارجه وقت فرانسه به تهران رفته بود تا مقدمات سفر فرانسوا میتران را به ایران مهیا کند، اما این سفر به علت قتل شاپور بختیار در آن سال انجام نشد. افسوس که یکی از پیش درآمدهای سفر کنونی وزیر خارجه فرانسه آزادی مسعود هندی یکی از شرکای قتل بختیار و همکار وی می‌باشد. گسترش مناسبات ایران و فرانسه اگر تنها به قصد سودجویی مقامات سیاسی و سرمایه‌داران دو کشور و به قیمت چشم‌پوشی بر موارد عسیدهدنی در حقوق بشر در ایران حاصل شود، نفعی برای مردم ایران نخواهد داشت. وزیر خارجه فرانسه نباید از ذکر محتوای گفت‌وگوهایش با مقامات جمهوری اسلامی بر سر مسائل چون، اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷، وضع اسیران عراقی در ایران، آزار و اذیت اقلیت‌های ملی و مذهبی، فتوای قتل سلمان رشدی و نقض حقوق بشر به طور کلی بفرخوردی‌ها بی‌شک چنین برخوردهای بدگمانی میهن دوستان ایرانی را نسبت به اهداف دولت فرانسه از بهبود مناسبات با جمهوری اسلامی دامن می‌زند.

### مراسم بزرگداشت دهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی

شورای هماهنگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان، نیز در بیانی‌های حمایت خود را از تظاهرات ۵ سپتامبر و سایر مراسم بزرگداشت فاجعه ملی، اعلام کرد. در بیانیه شورای هماهنگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان آمده است: به مناسبت دهمین سالگرد فاجعه ملی، مراسم‌های بزرگداشت مختلفی در سطح آلمان برگزار می‌شود. ما فدائیان خلق، از تمامی هم‌میهنان دعوت می‌کنیم که به طور فعالانه در این بزرگداشت‌ها شرکت کنند و همبستگی خودشان را با این عزیزان اعلام بدارند. تا باشد که این گردهمایی‌ها، افشاگر نقض حقوق بشر در ایران و در راه استقرار دموکراسی در ایران باشد.

روز شنبه ۵ سپتامبر در ساعت ۱۷/۳۰ دقیقه «مراسم شب یادمان دهمین سال قتل عام زندانیان سیاسی ایران، ششمین سال ترور در میکونوس برلین، هزاران زندانی سیاسی اعدامی در ایران» برگزار می‌شود. این مراسم را «کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - آخن» برپا می‌کند و در آن ف. آزاد نویسنده کتاب «یادهای زندان»، نسیم خاکسار نویسنده، همایون

### خبرهای کوتاه

**دادگاه دوم بازرگان آلمانی**  
دادگاه هلموت هوفر، بازرگان آلمانی که به اتهام روابط جنسی با یک زن مسلمان ایرانی، به اعدام محکوم شده بود، قرار است در ۲۸ شهریور ماه در تهران تشکیل شود. پرونده هوفر از دیوان عالی کشور جهت رسیدگی مجدد به دادگاه ارجاع شده است. هوفر اخیراً مدعی است که قبل از این تاریخ، مسلمان شده بود. گفتی است که در محاکم اسلامی، حکم اعدام کسی که برای فرار از مجازات، مدعی مسلمان بودن قبل از ارتکاب عمل شود، تغییر نمی‌کند.

**کنکور سراسری برگزار شد**  
پنجشنبه و جمعه ۱۱ و ۱۲ تیر روزهای سرنوشت‌ساز برای ۶۵۴ هزار و ۸۶۰ هزار نفر از جوانان کشورمان بود. در این دو روز مرحله دوم آزمون برای داوطلبان نظام جدید شامل مرحله‌ی نظام جدید برگزار شد. داوطلبان نظام قدیم شامل ۸۹۹۶۰ نفر در گروه ریاضی و فنی، ۸۹۲۲۰ نفر در گروه علوم تجربی، ۱۰۸۶۳۲ نفر در گروه علوم انسانی و ۲۴۷۴۵ نفر در گروه هنر و داوطلبان نظام جدید شامل ۸۷۵۱۴ نفر در گروه علوم ریاضی و فنی، ۱۴۲۶۵۱ نفر در گروه علوم تجربی، ۷۷۷۶۲ نفر در گروه علوم انسانی و ۳۹۳۷۶ نفر در گروه هنر بودند.

**جلسه «جامعه اسلامی مهندسين»**  
حسن غفوری فرد، مرتضی نبوی و ولایتی در همایش دوسالانه «جامعه اسلامی مهندسين»، مواضع سیاسی این گروه را تشریح کردند. غفوری فرد دبیر این گروه گفت: مباحثات و مهلت دادن به گروه‌ها، لیبرال‌ها، مخالفین و معاندین جمهوری اسلامی جز غفلت از ارمان‌های امام راحل و انقلاب اسلامی، بی‌آمد دیگری نداشته و ندارد. مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه رسالت نیز گفت: احزاب دارای مضراتی هستند که تضعیف همبستگی ملی، ایجاد انحصار و محدودیت در امور سیاسی و اجتماعی و مشارکت مردم و افراط در سیاسی‌نگری به مسائل و مناقات با آزادی فردی، از جمله آنها هستند.

**زیان مالی مصرف مواد مخدر**  
مدیرکل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: ضرر و زیان ناشی از مصرف مواد مخدر در ایران، اسال به ۷۰۰ میلیارد تومان خواهد رسید که این رقم تنها در برگیرنده عوارض جانبی مصرف مواد مخدر است. وی در عین حال اظهار داشت که ایران برای ترازیت تولیدات مواد مخدر پاکستان و افغانستان که حدود ۴۵۰۰ تن است، ارزان‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر است.

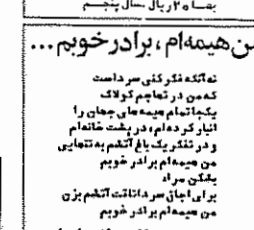
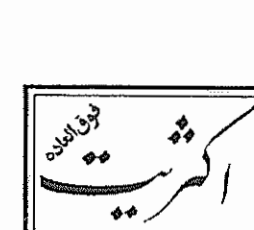
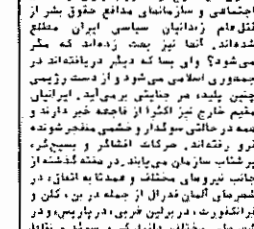
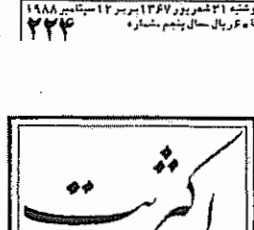
**حیره‌بندی آب آشامیدنی در اراک**  
مصطفی نظری مدیر روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی گفت به‌دلیل افزایش مصرف، آب آشامیدنی در اراک حیره‌بندی شد. وی کاهش برداشت از چاه‌های منطقه سنجان، گرمای هوا را از علل دیگر حیره‌بندی آب در اراک اعلام کرد. براساس پیش‌بینی انجام شده، آب نقاط مختلف اراک براساس جدول معین، سه تا چهار ساعت در روز قطع می‌شود.

**میزان شهریه نام‌نویسی در مدارس**  
عسکری از مسئولین وزارت آموزش و پرورش در زمینه شرایط ثبت نام در مدارس غیرانتفاعی گفت: شهریه مدارس ابتدایی در شهر تهران تا یک میلیون ریال و در شهرستان‌های کشور تا پانصد هزار ریال، در مدارس راهنمایی شهر تهران تا یک میلیون و دویست هزار ریال و در شهرستان‌ها تا ۶۶۰ هزار ریال و در مقطع متوسطه در تهران تا یک میلیون و پانصد هزار ریال و در شهرستان‌ها تا ۸۸۰ هزار ریال است. بابت کلاس‌های فوق برنامه برای ابتدایی نیز تا ۱۶۰ هزار ریال، راهنمایی ۲۲۰ هزار ریال و متوسطه ۳۳۰ هزار ریال تعیین شده است و مدارس نمونه مردمی سابق به هنگام ثبت نام دانش‌آموزان می‌توانند در مقطع ابتدایی بابت هر درس فوق برنامه مبلغ ده هزار ریال، مقطع راهنمایی پانصد هزار ریال و در مقطع متوسطه برای هر درس فوق برنامه بیست هزار ریال دریافت کنند.

**محروریت درمانی مردم خرم‌دَره**  
بیست و سه سال از آغاز عملیات ساختن تنها بیمارستان شهرستان خرم‌دَره می‌گذرد، اما مردم این شهرستان مانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران کماکان از داشتن بیمارستان محروم می‌باشند و این بیمارستان هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده و به این ترتیب ضریب تخت بیمارستانی در این شهرستان ۵۲ هزار نفری صفر است. مردم این شهرستان ناگزیر بیماران خود را برای معالجه به شهرهای دیگر می‌برند.

**۷/۹ درصد رشد جمعیت در کرج**  
طبق اظهارات منابع رسمی آمار رشد سالانه جمعیت در شهرستان کرج ۷/۹ درصد است. این آمار با تبلیغات دستگاه‌های مربوطه که برنامه‌های کنترل جمعیت را موفق جلوه می‌دهند، سازگاری ندارد. بسیاری از ادعاهائی که در این زمینه صورت می‌گیرد، صرفاً جنبه تبلیغاتی دارد و اهمی است برای توجیه عمل‌کرد دستگاه‌های مربوطه در زمینه هزینه کردن بودجه سنگینی که به برنامه کنترل جمعیت اختصاص دارد.

# روزهای خونین از آن



## موج تازه‌ای از کشتار در اوین

### فدایی خلق فرامرز صوفی تیرباران شد

\* کیومرث زرشناس، سعید آذنگ و سیمین نردین از حزب توده ایران و چهار زندانی مجاهد خلق به جو شه اعدام سیرده شدند

\* ۵۵ تن از زندانیان سیاسی که حکم اعدام آنها مورد تایید عالی‌ترین مقامات رژیم قرار گرفته است، به سولهای انفرادی اوین منتقل شدند

## جان زندانیان سیاسی در خطر است

بدین اعدام هفت زندانی سیاسی اوین در آخرین روزهای تیرماه، ملاقات زندانیان با خانواده‌هایشان تا دو ماه دیگر قطع شده است. از سولهای ۵۵ زندانی که حکم اعدام آنها به تایید آمده‌اند، بالاترین مرجع قضایی رژیم، سید سعید آذنگ، سیمین نردین و کیومرث زرشناس، سعید آذنگ و سیمین نردین، در تیرماه ۱۳۷۷ در محاکمه قرار گرفتند. مواداران مجاهدین و فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی از تسلیم به اعدام ۵۵ زندانیان سیاسی، در مقابل حاکم بر مجرمین در پس صحنه‌های خشونت‌آمیز فاجعه کشتار زندانیان اوین، در جریان محاکمه‌ها، اعدامی‌ها، سولهای و تیرباران‌ها، فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی را تیرباران کرد. در جریان محاکمه‌ها، فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی را تیرباران کرد. در جریان محاکمه‌ها، فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی را تیرباران کرد.

## گورهای تازه در گلستان خاوران

بدین اعدام هفت زندانی سیاسی اوین در آخرین روزهای تیرماه، ملاقات زندانیان با خانواده‌هایشان تا دو ماه دیگر قطع شده است. از سولهای ۵۵ زندانی که حکم اعدام آنها به تایید آمده‌اند، بالاترین مرجع قضایی رژیم، سید سعید آذنگ، سیمین نردین و کیومرث زرشناس، سعید آذنگ و سیمین نردین، در تیرماه ۱۳۷۷ در محاکمه قرار گرفتند. مواداران مجاهدین و فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی از تسلیم به اعدام ۵۵ زندانیان سیاسی، در مقابل حاکم بر مجرمین در پس صحنه‌های خشونت‌آمیز فاجعه کشتار زندانیان اوین، در جریان محاکمه‌ها، اعدامی‌ها، سولهای و تیرباران‌ها، فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی را تیرباران کرد.

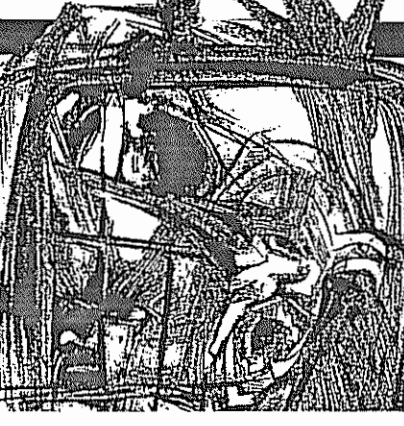
## موج خون در زندانهای کشور

کشتار جمعی زندانیان سیاسی اوین در آخرین روزهای تیرماه، ملاقات زندانیان با خانواده‌هایشان تا دو ماه دیگر قطع شده است. از سولهای ۵۵ زندانی که حکم اعدام آنها به تایید آمده‌اند، بالاترین مرجع قضایی رژیم، سید سعید آذنگ، سیمین نردین و کیومرث زرشناس، سعید آذنگ و سیمین نردین، در تیرماه ۱۳۷۷ در محاکمه قرار گرفتند. مواداران مجاهدین و فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی از تسلیم به اعدام ۵۵ زندانیان سیاسی، در مقابل حاکم بر مجرمین در پس صحنه‌های خشونت‌آمیز فاجعه کشتار زندانیان اوین، در جریان محاکمه‌ها، اعدامی‌ها، سولهای و تیرباران‌ها، فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی را تیرباران کرد.

## اطلاعه مطبوعاتی شماره ۳

نماینده کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اوین فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران سرکشی گستاخانه در برابر اراده بشریت

## فهرست اسامی گروهی از شهیدان کشتار اخیر



سراسر دست خاوران سنگی نیست

شمار زندانیان سیاسی کشته شده باور نکردنی است

\* در میان مردم و خانواده زندانیان از ۵۰۰ کشته صحبت می‌شود

این فاجعه ملی، در میان زندانیان سیاسی اوین، در جریان محاکمه‌ها، اعدامی‌ها، سولهای و تیرباران‌ها، فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی را تیرباران کرد.

## اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

علیه فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی اوین

## خبرهای هولناک فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی

پایان ناپذیر است

\* روز جمعه گروهی عمومی خانواده شهدا در خاوران برپا شد

گورهای تازه در گلستان خاوران، در جریان محاکمه‌ها، اعدامی‌ها، سولهای و تیرباران‌ها، فرامرز صوفی، فرزند خواران رژیم صهیونیستی را تیرباران کرد.

## کرواوش جدید عفوبین الملل درباره کشتار زندانیان سیاسی ایران

جنایتی که بر ملا شده، فقط نوک کوه یخ است

بیشتر از این تعدادند و آنچه که از موج تازه کشتار بر ملا شده، فقط نوک کوه یخ است. این فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران، سرکشی گستاخانه در برابر اراده بشریت.

## ویاز نهایی تازه از اعدام شدگان اخیر

هر نام را به یک پرچم تبدیل کنیم

تورسیم صادراتی: چهره دیگری از رژیم جنایتکار خمینی

## اطلاعه مطبوعاتی شماره ۴

نماینده کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اوین پیرامون فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی در ایران

## به ضمیمه: فهرست اسامی ۴۳۹ تن

از قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

## جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف

ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!

## ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!

جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف

## فهرست اسامی گروهی تازه از

قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

## اسامی تبعکارانی که مسئول مستقیم کشتار همگانی

زندانیان سیاسی ایران هستند

بیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران

## از جمعه سیاه ۸۰ روز گذشت

از جمعه سیاه ۸۰ روز گذشت

## ایران (اکثریت) در اوین فاجعه کشتار همگانی

فهرست اسامی ۴۳۹ تن از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

## رژیم به کشتار زندانیان سیاسی اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

## اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

## اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

## اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

## اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

## اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

## اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

## اعتراف می‌کند

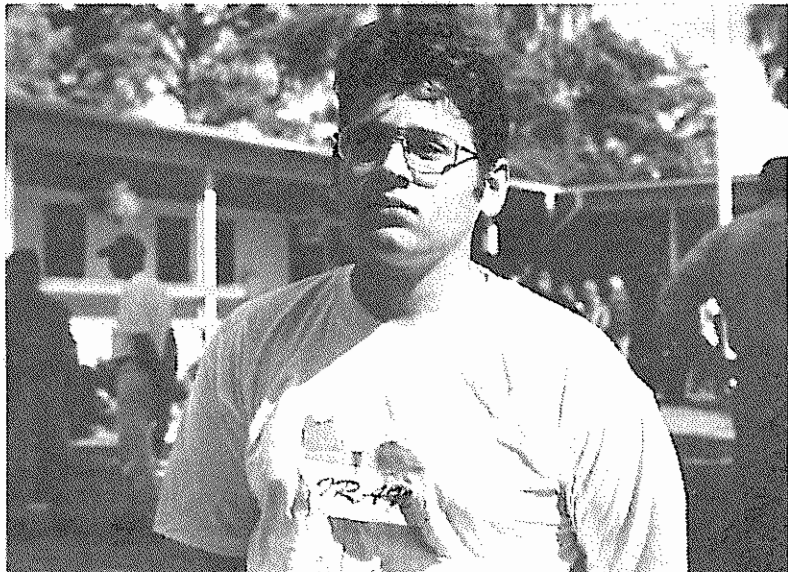
اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

## اعتراف می‌کند

اعتراف می‌کند

# آراز ضیغمی: من به پدرم افتخار می‌کنم هیچ وقت نمی‌گذاریم این آتش خاکستر شود



عقل من آن قدر کامل بشود که بتونم ارزش این نبرد، این نبرد مقدس را بفهمم و تلاش کنم که آدم‌های خوب را پیدا کنم توی دنیا و خوبی‌ها را ببینم و همیشه به بدی‌ها کینه بورزم و بهترین تلاشم را بکنم که از بین‌شان ببرم و یا کمترین بکنم. واقعاً از مادرم متشکرم و واقعاً هم به پدرم افتخار می‌کنم، چون فهمیدم مرگ به معنی مردن نیست، به معنی زندگی کردن هزاران آدم است در یک بدن که بسعداها انتقامش را می‌گیرند.

واقعی خودشان را در مورد همه چیز بگویند و از هیچ چیز ترسند. مثل پدر من و خیلی از آدم‌های دیگر که به خاطر عقیده‌شون حاضر شدند از زندگی و خانواده‌شان بگذرند و کاری نکنند که راه برای نسل‌های آینده، ما جوان‌ها، باز بشه که یک روز ما بتوانیم راهشون را ادامه بدیم و کاری کنیم که آدم‌های خوب فقط توی فیلم‌ها برنده نباشند. کاری کنیم که این فیلم‌ها به واقعیت تبدیل شده که آدم خوب بتواند در واقعیت هم پیروز شود.

من کسان دیگر را نمی‌دانم ولی من خون پدرم را در رگ‌هایم دارم و امیدوارم بتونم درست ازش استفاده کنم. بتونم این زندگی سخت آدم‌ها را یک جور، حالا هر طور شده یک خرده بهتر کنم. و با یک خرده کمک از طرف کسانی که خون پدرشان در رگ‌هایشان است، منظورم دوستانم هست که پدرشان را از دست داده‌اند، بتونیم راه پدرمان را ادامه دهیم و اجازه ندهیم این آتش به این سادگی به خاکستر تبدیل شود و یا از بین برود. امیدوارم که اگر وقت این آتش خاکستر نشود و امیدوارم که اگر من نتوانم راه پدرم را ادامه دهم و مثل پدرم شهید شوم، بچه‌هایم راهم را ادامه دهند و قرار جانشان را مهم‌تر از نجات زندگی انسان‌ها ندانند. و در حقیقت همان راهی است که پدرم می‌خواست برود برای اینکه جان انسان‌های دیگر را نجات بدهد و یک آینده بهتر برای من و همه بچه‌ها درست کند. خیلی‌ها مثل پدر من جانانشان را در این راه از دست داده‌اند ولی

سال و نیم من به ملاقات پدرم می‌رفتم و امیدوار بودم که این روز هرچه سریع‌تر بیاد. تا وقتی که حدود پانزده سال بعد دیدم توی خانه‌مان خبرهایی هست. مثل همیشه نبود. همه گریه می‌کردند. من خیلی ناراحت بودم ولی علت آن را نمی‌دانستم و باورم هم نمی‌شد که چنین چیزی پیش آمده باشد.

وقتی از مادرم پرسیدم که چرا ناراحت هستید، مادرم گفت: پسر ما بابا به یک سفر خیلی دور رفته و امکان داره به این زودی‌ها نبینیش. این را که گفت من واسه خاطر این که هنوز بچه بودم معنیش را نفهمیدم. برایم عجیب بود که چرا برای سفر رفتن یک آدم گریه می‌کنند. وقتی حدود دو سال بزرگتر شدم و از مادرم پرسیدم ماما پس بابا چرا بر نمی‌گرده. چرا ما دیگر به ملاقاتش نمی‌رویم و می‌گفتیم دلم برایش تنگ شده، همان وقت بود که مادرم شروع به گفتمن واقعیت کرد. و بهم گفت سفر واقعی به آسمون یعنی چه. بهم گفت آدم‌هایی که خیلی خونین توی این دنیا جا ندارند. بهم گفت آدم‌هایی که خیلی خوبند اجازه ندارند به آدم‌های دیگر کمک کنند. گفت این آدم‌ها در این جا محکوم به مرگند. برای اینکه به فکر مردمنده و امیدوارم هیچ وقت سعی نکن از مردم جدا شوی و همیشه خاطره پدرت در یادت باشد. با این وجود در تمام این وقت‌ها، من هنوز امیدوارم که این سفر روزی به پایان برسد. برای همه آدم‌های خوبی مثل پدرم به پایان برسد و آدم‌ها بتوانند نظریه

من حدود ۵/۵ ساله بودم که پدرم را زندانی کردند. من نمی‌دانستم او کجاست. مادرم می‌گفت که بابات به یک مسافرت طولانی رفته و به این زودی‌ها بر نمی‌گرده. بعد از حدود شش ماه ملاقات‌های پدرم شروع شد. با مادرم رقتیم زندان اوین که او را ببینیم. اولین بار بود که در عمرم زندان را دیدم. من تنها برداشتی که از زندان داشتم این بود که آدم‌هایی که آدم می‌کشند، قاچاقچی‌ها، کلا آدم‌هایی که خوب نیستند را زندانی می‌کنند ولی از آنجا که پدرم را می‌شناختم می‌دانستم که پدرم از این آدم‌ها نیست و فهمیدم زندان فقط برای آدم‌های بد نیست حتی آدم‌های خیلی خوب، آدم‌هایی که به فکر آدم‌های دیگر هستند به زندان می‌افتند. آدم‌هایی که به فکر مردم هستند. آنجا بود که فهمیدم چه آدم‌های بزرگی در این زندان وجود دارند و هیچ کس نمی‌تواند خاموششان کند، حتی در زندان. وقتی به این زندان می‌رفتم تنها بچه‌ای نبودم که آنجا بود. خیلی‌ها را می‌دیدم که از خودم کوچکترند. از پشت شیشه با پدرشان حرف می‌زدند و همیشه هم به پدرشان گل می‌دادند. باباهاشون حرف‌های خوب می‌زدند.

تنها چیزی که پدرم به من گفت این بود که پسر خوبم، چقدر بزرگ شدی و بهم افتخار می‌کرد و می‌گفت وقتی از این جا بیام بیرون روزهای خوبی در انتظارمان هست. با همدیگر می‌رویم بیرون، به رستوران‌ها می‌رویم. می‌رویم می‌گردیم. با همین امید تا حدود یک

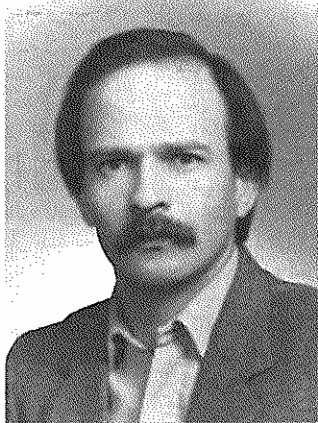
## گفتگوی بارفیک مینالبادی درباره کشتار همگانی زندانیان سیاسی روایتی از یک فاجعه

مینا: از برخی موارد ذکر کنم. فرزند یکی از رفقا بعد از شنیدن خبر مرگ پدرش تا دو ماه فلج شد. چند تن دچار بیماری روانی شده و ماه‌ها بستری شدند. همسر یکی از رفقا در خیابان چهره برخی عابریں را مانند شورش می‌دید و ساعت‌ها آن‌ها را تعقیب می‌کرد و در خیابان می‌گشت. مواردی بود که بارها در بیمارستان روانی بستری شدند.

مشکل مالی جدی بود، اما مشکلات اصلی مشکلات معنوی بودند. که مهترین آن وجود این احساس است که انسان پشتیبانی ندارد. از سوی دیگر تفاوت وضعیت سیاسی - اجتماعی و طبقاتی در وضعیت بازماندگان، در تقویت یا تضعیف این احساس تاثیر دارد. در سال‌های اخیر دوستان ما مراسم برگزار نمی‌کنند. نکته‌ای در مورد گروه‌های سیاسی، سازمان خودمان و دوستان خارج از کشور بگویم که در تجلیل از شهدا با دقت و حساسیت برخورد نشده است و اگر تجلیلی چاپ عکس و نوشته و سرودهای بوده است، بیشتر به رفقای محدودی اختصاص داشته است تا به بسیاری دیگر که گمنام مانده‌اند.

در مورد روحیات، انتظارات و تلقی فرزندان رفقای شهید که اینک همگی نوجوان و جوانان برومندی شده‌اند سخن بگوئید.

مینا: با کمال تأسف، آن انتظاری که بسیاری دوستان ما (خانواده شهدا) از سازمان خودشان داشته‌اند و آن را قبله آمل خود می‌دانستند، برآورده نشده است. دریغ از یک کارت، برای سالگرد شوهرا و پدران و مادران از دست داده‌شان که به نظر من صاحبان اصلی این سازمان هستند و دریغ از یک دلجویی، با جرات می‌توانم بگویم همدردی و کمکی هم اگر بوده است، باز هم از جانب خانواده شهدا و افرادی که داخل کشور با توجه به امکانات مالی کمی که دارند، انجام شده است که شایان تقدیر می‌باشد.



فدایی شهید رفیق اصغر ضیغمی

قبرستان گرد آمدیم. در خیابان خاوران شروع به شعار دادن کردیم و عکس بچه‌ها را نشان دادیم. از قبل کمیته با ماموران خود و ماموران مسخفی آماده بود و شروع کردند به دستگیر کردن. حدود صد نفر را دستگیر کردند، از جمله مردمی را که با ما همراهی می‌کردند. در میان ما مرد جوان نبود و عمدتاً مردان و زنان مسن (پدرها و مادرها) و همسران و خواهران و فرزندان شهدا بودند. تعدادی را نگه داشتند؛ و بقیه را با گرفتن تعهد آزاد کردند. من را حدود ده روز در زندان نگه داشتند. دوباره من می‌بایست هفته‌ای یکبار به دادستانی مه‌آباد مراجعه می‌کردم. روش بازجویی‌ها دیگر عوض شده بود. برای تحقیر از ما می‌پرسیدند حال که شوهرتان نیست چگونه نیاز جنسی‌تان را برطرف می‌کنید که پاسخ درخور خودشان را می‌گرفتند. من گفتم: کثافت، مگر ما آخوند هستیم که تمام فکر و ذکرمان پائین تنه باشد.

س: از مشکلات و مصائب بعد از این واقعه بگوئید.

عزای او بکار بردیم. درست سه ماه قبل از اعدام‌ها، ما به انجمن دولتی حمایت از خانواده زندانیان مراجعه کردیم، وقتی ما اسم عزیزانمان را می‌گفتیم پرونده قرمز جداگانه‌ای از زندانیان سیاسی تهیه کرده بودند و همه با تأسف می‌گفتند که قرار است سه زودی آزاد شوند. با خواسته‌ها منعطف‌تر برخورد می‌کردند و روی اسم‌ها ضربدر زده بودند.

یعنی آنان می‌دانستند که آن‌ها اعدام شده‌اند و یا قرار است اعدام شوند؟  
مینا: بلی می‌دانستند. بعداً گفتند هزینه کفن و دفن را به شما پس می‌دهیم.

از موارد مشخص اعلام خبر اعدام‌ها بگوئید.  
مینا: یک پدر زحمتکش آمده بود وقتی مسائل پسرش را تحویل گرفت ۶۰ تومان باقی مانده بود. پرسید آیا می‌توانم با این یک گلوله داد بخرم؟ گفتند برای چه می‌خواهی؟ پاسخ داد می‌خواهم وسط پیشانی خمینی بزنم. تمام بچه‌ها مخصوصاً زنان جوان را وقتی برای گرفتن مسائل می‌رفتند، سه ساعت بازجویی می‌کردند. در مقابل صحبت‌های ما و دشمنان‌های ما به رهبران جمهوری اسلامی، وعده می‌دادند که به مشکلات شغلی و اخراج ما کمک کنند. قصدشان فقط این بود که خشم ما را کنترل کنند. از ما تعهد می‌گرفتند مجلس ترحیم نداشته باشیم. اما در همه تهران و همه خانه‌های شهر گلپارازان بود و ما ساعت به ساعت از این خانه به آن خانه می‌رفتیم و مردم با چشم گریان با ما همگامی می‌کردند. اما خانه بسیاری از زن‌های جوان شوهر از دست داده در سکوت غرق بود و متأسفانه در تنهایی که خودمان بودیم همدیگر را دلجویی می‌دادیم و در عزای شوهرانمان اشک می‌ریختم.

چهل شهدا را ما در خاوران به تظاهرات تبدیل کردیم. از اول صبح خانواده‌ها از همه شهرهای ایران آمدند، با دیگ‌های بزرگ غذا آمده بودند. تمام گورستان خاوران، تمام زردها غرق گل بود. عکس بچه‌ها تمام میله‌های خاوران را گرفته بود. ما با حالت تظاهرات در

خوشبختانه از مرگ نجات یافتند. بعد از تقریباً دو ماه وضع بهتر شده بود، از زندانیان تواب خبری نبود. اداره (امور داخل بند) در دست خودشان بود. عید فطر یک ملاقات حضوری دادند. ولی از رفقای ما که اعدام شدند هیچکدام ملاقات حضوری نداشتند و روز بعد که ما ملاقات داشتیم، همه ممنوع‌الملاقات شدند. همه در کساح دادگستری جمع می‌شدیم. دوران بی‌خبری آغاز شد، در برابر شورای عالی قضایی و دفتر مستظری در قم مرتب جمع می‌شدیم و افشاگری می‌کردیم.

این دوران چه مدت طول کشید؟  
مینا: از مرداد تا آذر ماه. در این فاصله، سری تلفنی خبر می‌دادند که باینید و مسائل عزیزانمان را تحویل بگیرد. با جرات می‌توانم بگویم هر روز وسائل صد نفر از زندانیان را در کمیته‌های مختلف تهران تحویل می‌دادند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: کمیته زنجان، خاوران (خاور شهر) - شاه عبدالعظیم، کمیته اوین، بهارستان، کمیته نزدیک دانشگاه تهران. من وسائل خودم را در اوین تحویل گرفتم.

به چه طریق خبر دادند؟  
مینا: من از طریق یک آشنا برای خودم قرار ملاقات گرفتم، یک ملا آمد و در میدان توحید تهران خبر اعدام اصغر را به من داد. با سه عدد بنز پر از محافظ آمد و گفت شما دیر اقدام کردید و متأسفانه شوهر شما را سه ماه پیش اعدام کردند. ما حاضر بودیم تمام هستی‌مان را بدهیم که جان وی را نجات دهیم. از طریق نماینده شهرمان اقدام کردیم. همه جواب مساعد می‌دادند اما بعد از مدتی دیگر پیدایشان نمی‌شد، ناپدید می‌شدند. باین ترتیب اصغر باید در تابستان اعدام شده باشد.

ما از روی تاریخ از کار افتادن ساعتش به این نتیجه رسیدیم که او باید روز ۸ شهریور اعدام شده باشد. ناگفته نماند اصغر دو سال محکومیت داشت که یک سال و ۸ ماه آن را گذرانده بود و قرار بود در آذر ماه که خبر اعدامش را به ما دادند آزاد شود. وسائلی که برای جشن آزادی او تهیه کرده بودیم در مراسم

در دهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی ایران، به گفتگو با رفیق مینالبادی نشستیم تا از مشاهدات خود از این فاجعه ملی بگوئید.  
بازگویی هر گوشه و هر روایتی از این رویداد هولناک تاریخ کشورمان خود به روشن شدن ابعاد و کلیت فاجعه، یاری می‌دهد. همسر مینا، رفیق اصغر ضیغمی نیز در فاجعه کشتار زندانیان سیاسی آماج ددمنشی بی‌کران رهبران جمهوری اسلامی شد.

مینا: از قبل از شروع اعدام‌ها بگوئید. درست ۵ ماه قبل از آغاز اعدام‌ها بود که خبر دادند عزیزان زندانی ما انصصاب غذا کرده‌اند. مطلقاً هیچ غذایی نمی‌خوردند و به انواع بیماری‌های عفونی دچار شده بودند. ما، جمع کثیری از خانواده‌های زندانیان سیاسی، به شورای عالی قضایی رفتم که صحبت کنیم. ما را تحویل نگرفتند. ما شروع به تظاهرات و شعار دادن کردیم که به درگیری منجر شد.

چه شعاری می‌دادید؟  
مینا: روی شاد را سفید کردید و علیه رهبران رژیم شعار می‌دادیم. یک تعدادی را آنجا نگه داشتند. در ملاقات بعدی خبر شدیم که به بچه‌ها میوه داده بودند و روی هندوانه‌ها نوشته بودند: مرگ بر فدایی، مرگ بر مجاهد، مرگ بر کمونیست و غیره، که زندانیان میوه‌ها را پس داده بودند. پس از آن اندکی فشار کم شد. یک سری درخواست‌ها را برآورده کردند، در «بندهای در بسته» باز شده بود و بچه‌ها از ما تشکر می‌کردند. یک ماه بعد، من توانستم یک ملاقات حضوری ۵ دقیقه‌ای بگیریم. اصغر فقط می‌گفت موضع سازمان چیست؟ در مورد هیات حاکمه می‌پرسید، در مورد رفسنجانی می‌پرسید. در مورد شوری می‌پرسید. من چون خودم زندانی بودم و هر ۱۵ روز باید خود را معرفی می‌کردم، با کسی ارتباط نداشتم و جوابی نداشتم که بدهم. اسم چند نفر را به من گفت که اگر خودت را به خطر هم انداختی به آنها بگو که فرار کنند، جانشان در خطر است که

س: اکنون چه اقدامات مشخصی می‌توان انجام داد؟  
ادامه در صفحه ۲

# اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت دهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

هم میهنان!

از فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی ده سال می‌گذرد. در این توطئه مخوف، هزاران نفر از زندانیان سیاسی، طی یک رشته محاکمات چند دقیقه‌ای به مرگ محکوم شدند و گروه گروه به قتل رسیدند. در بیدادگاه‌های خمینی، در محاکماتی که زیر نظر هیئت منتخب خمینی مرکب از اشراقی، رازینی و نیری صورت می‌گرفت، معمولاً سه سؤال را در برابر زندانیان می‌گذاشتند:

- مسلمان هستی یا نه؟

- نماز می‌خوانی یا نه؟

- سازمان و حزب سیاسی خودت را قبول داری یا نه؟

پاسخ منفی به این پرسش‌ها، برای کیفر مرگ کفایت می‌کرد. نه تنها همه کسانی که به این پرسشها پاسخ نه دادند قتل عام شدند بلکه بسیاری از زندانیان بدون آن که حتی در برابر این سؤالات قرار بگیرند روانه میدانهای اعدام گشتند. در این سلاخی هول‌انگیز بسیاری بدون هر گونه محاکمه و بسیاری «اشباهی» به مرگ سپرده شدند. از نوجوانان ۱۵-۱۶ ساله تا سپیدمویان ۷۰ ساله، از فرزندان تا پدر بزرگ‌ها، از هر حزب و سازمان با هر پشتوانه سیاسی و یا مشی سیاسی، همه و همه از دم تیغ مجریان فرمان قتل عام زندانیان سیاسی گذشتند.

ابعاد فاجعه چنان بود که هنوز هم پس از گذشت ده سال زبان از تصویر آن قاصر است. جوخه‌های مرگ حتی فرصت لیست برداری دقیق را نداشتند. محدودیت زمان برای اجرای تصمیم رهبران حکومت چنان تنگ بود که انواع خطاها در اجرای تصمیم مجاز بود و انواع شیوه‌ها برای سر به نیست کردن زندانیان مجاز. آنها فقط در یک مورد نمی‌بایست اشتباه کنند و آن اجرای تصمیم خمینی مبتنی بر پاکسازی زندانها از اکثریت زندانیان بود.

هزاران انسان بلاگردان رژیمی شدند که در سیاست لاجوجانه و چنایتکارانه ادامه جنگ به نحو مفتضحانه‌ای شکست خورده و مسئول عواقب این سیاست ضد مردمی و ضد ملی شناخته شده بود. خمینی که ناچار به سرکشیدن جام زهر شده بود، تصمیم گرفت تا تلخی این زهر را در جان فرزندان مردم و در جان خود مردم بریزد و با این چنایت، خوف بزرگ را بر مردم مستولی سازد. مدعش‌ترین فاجعه در زندانهای ایران آفریده شد تا دهشت در جامعه را پاره پاره آورد و رژیمی که رهبر آن شکست خورده و آفتاب عمرش بر لب بام رسیده بود، قوام بگیرد و دوام آورد.

اینک در دهمین سالگرد این جنایت عظیم، هزاران خانواده قربانیان قتل عام سال ۶۷ داغ خود را زنده می‌کنند تا داغ ننگ را بار دیگر بر پیشانی کسانی بکوبند که آن روز خودسرانه آدم کشتند و اینک خونسردانه در باره این جنایت سکوت را ادامه می‌دهند. همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی که گروه بزرگی از بهترین و فداکارترین رهبران و اعضای خود را در این شام مرگزا از دست دادند، بار دیگر خروش بر می‌آورند و صداهای خفه شده در سینه‌های خونین این عزیزان را به فریادهای رسای اعتراض بدل می‌کنند تا نگذارند که خاطره این جنایت بزرگ و جرم هولناک مسئولین این واقعه تلخ به فراموشی سپرده شود. نیروی عظیمی در جامعه ما وجود دارد که نخواهد گذاشت توطئه سکوت علیه این جنایت شوم به بار بنشیند. این نیرو هر آنکس را که در هر حد و به هر شکل از آزادی سخن می‌گوید خطاب قرار داده و می‌دهد تا بگوید که نسبت به این جنایت چه موضعی دارد و در قبال چنایتکاران فاجعه ملی شهریور ۱۳۶۷ کدامین جبهه را بر می‌گزیند؟

سازمان ما همراه و همصدا با همه آسیب دیدگان چنایات ولایت فقیه خواهان رسیدگی فوری به پرونده‌های این جنایات و تشکیل یک دادگاه ویژه با رعایت موازین بین‌المللی جهت محاکمه مسبین و مجریان این آدمکشی هاست. ما خواهان اعلام فوری لیست کشته شدگان، مشخص کردن محل دفن آنان و تحویل همه وسایل و یادگارهای آنان به بستگانشان هستیم.

ما در این روزهای درد و داغ، همراه مادران و پدران، همسران و فرزندان همه این شهدا در هر کجا که هستیم با برپایی مراسم در هر شکل ممکن آن، خشم و انزجار خود نسبت به عاملان و جریان این فاجعه را ابراز می‌داریم و با فرود آوردن سر تعظیم در برابر این عزیزان از دست رفته، با خاطره تابناک آنان تجدید پیمان می‌کنیم که نخواهیم گذاشت گرد فراموشی روی آن جنایت را بگیرد. ما به همه فدائیان شهید در جریان فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ درود می‌فرستیم و سوگند یاد می‌کنیم که آرزوی بزرگ آنها برای دمیدن آفتاب آزادی در کشور دربندمان را با تلاش برای آگاهی هر چه وسیع‌تر مردم میهنان از این جنایت تاریخی و درست با هدف جلوگیری از تکرار چنین فاجعه‌ای در تاریخ کشورمان درآمیزیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
پنجم شهریور ماه ۱۳۷۷

## یکی از صدها قربانی... جاودانه تا ابدیت

### زندگی نامه کوتاه رفیق شهید مهدی عماری



قربانیان فاجعه ملی هنوز به تمامی شناسایی و معین نشده‌اند و آمار رسمی از تعداد زندانیانی که در سال ۶۷ اعدام شدند، وجود ندارد.

فدایی شهید، مهدی عماری، از زمره آنان است که تاکنون عکس و زندگی‌نامه او در اختیار ما قرار نداشته است:

فدایی شهید مهدی عماری در سال ۱۳۳۲ در شهر خوی و در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد.

پس از اتمام دوره دبیرستان، در سال ۵۱ وارد مدرسه عالی بازرگانی تهران گردید. روحیه سرکش مهدی، و رشد جنبش ضد دیکتاتوری علیه شاه، باعث جذب سریع او به جنبش دانشجویی، و از این طریق به جنبش فدایی گردید. در سال ۵۶ به سربازای اعزام، و با اوج مبارزات مردم علیه شاه، با همکاری یکی از رفقای خود، مقدمات فرار سربازان تحت سرپرستی خود در گسارد شاهنشاهی را فراهم ساخته و خود نیز خدمت سربازی را ترک نمود.

بعد از انقلاب با کمک تعدادی از رفقای خود، درمانگاه سیاری در یک اتوبوس دوطبقه در منطقه فقیرنشین تهران پارس رشته نموده و از طریق جمع‌آوری دارو و سایر وسایل بهداشتی از مردم

و بعضی موسسات به مداوای مراجعین پرداخت. در سال ۶۱ در بخش کارگری سازمان در غرب تهران سازماندهی گردید. در ابتدا حسابرس کارخانه شیشه‌سازی مینا بود. بعدها به دلائل امنیتی، کار خود را در شرکت‌ها و کارخانجات غرب تهران ادامه داد. مهدی در ۳۰ مرداد ۶۵ ازدواج، و درست یک ماه بعد در ۳۰ شهریور ۶۵ به دام دژخیمان جمهوری اسلامی افتاد.

او احساسی لطیف و جسی قوی و مربی ورزش کارگران، و خود از ورزشکاران خوب رشته دو و میدانی بود. به دلیل روحیه قوی و حس همبستگی‌اش، او را

در زندان (دکتر) صدا می‌زدند. مهدی مانند همه مبارزان جبهه عدالت و آزادی، شکنجه‌های دژخیمان را تحمل کرد. یک بار در ملاقات بستگان خود گفت که: «آخرین دفعه فکر کردم که این بار دیگر زیر مشت و لگد کشته خواهم شد». اما او زنده ماند و آشتی‌ناپذیری خود با ظلم و استبداد را با شهادت خود در انفجار زندان اوین در سال ۶۷ (اعدام‌های دسته‌جمعی) به اثبات رساند. آری او در کوره عشق به مردم گذاخت و ستارهای فروزان شد. بر بلندای تارک آسمان، جاودانه در دل‌های مردم تا ابدیت یادش گرامی باد. □

موج خیز غم‌ناک سپه‌پوشانند  
سنگران جامه‌بکبودان اشق صبح‌ها  
چهاربهار است خنک که دین مشت است  
باز در مقدم خون تو ای روح بهبا  
کز زین هنر سه ستم‌گویی که از سبب  
آن فرزند کلمه‌های شایان بهبا  
نشان نمره شبستان با  
میشه دگر و کسان همه جا می‌شوند  
روح باغند کز نسیم سپه‌پوشانند  
لاله‌ها آینه خون سنا ووشانند  
میشه در شبه فتاح همه آغوشانند  
سرخ گل‌های هجران می‌سپوشانند  
کز می‌حلم شهادت همه بدوشانند  
تا کونیند که از یاد منموشانند

## از کشتار ددمنشانه زندانیان سیاسی ۱۰ سال گذشت

### هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

### ثابت است بر جریده عالم بقای ما

۱۰ سال از کشتار همگانی زندانیان سیاسی در سال سیاه ۶۷ گذشت. میهن ما و همه ما بیکارگران راه آزادی در گذشته نزدیک خود، از این روزها و سال‌های سیاه چه بسیار داشته‌ایم. با این همه، آن چه به دست بیدادگران اسلامی در سال ۶۷ بسر آزادگان دریند این سرزمین گذشت، تا روزگار بر پاست، تبهکاری پوزش‌ناپذیری خواهد ماند.

شاهان پهلوی نیز چون دستاربندان چیره بر ایران، در زندان‌های خود زندانیان سیاسی را چون دکتر تقی ارانی و فرخی یزدی با «امپول هوا» و بسیاری را زیر شکنجه‌های ددمنشانه کشتند. شاه (محمد رضا پهلوی) دستور کشتار ناجوانمردانه بیژن جزئی و یارانش را نیز داد. باری تاکنون کشتاری این چنین ددمنشانه و گسترده در سپاه‌های بیدادگران چیره بر این سرزمین، بی‌پیشینه و بی‌مانند است و کاش چنین نیست بماند. حکومت اسلامی، بختیک دیرآشنایی که پس از سده‌ها باز به جان تپنده این مرز و بوم افتاد، دیسو خون‌خواره‌ای که برای دومین بار، و با رخت فرشته بر تن، بناگاه سایه شوم خود بر ایران گسترده، در شهریور ۶۷ سرشت راستین آشکارتر کرد و ایرانیان را به خاکستر اندود انبوه گل‌های پرپر خود نشانند.

۱۰ سال پیش در این روزها کشتار خون‌باری سراغان گرفت، که دستور آن از سوی خود خمینی و دیگر سرترین سران پلید حکومت اسلامی داده شده بود. در چند روز، گروه گروه امیدهای

مردم و میهن و آرمان و آرزوی آزادی جان داده‌اند، بی آن که در استان زورمندان و بیدادگران به کرنش پشت خم کرده باشند. هم‌زمان گرامی ما قد خمیده خود را کمانی کرده‌اند که نشانه تیرش قلب دشمنان آزادی و ایران است.

دژخیمان برای آن که بتوانند به دور از هر گونه درد سر، بسندیان ما را کشتار کنند، چندگاهی خانواده‌های نگران را از دیدار جگرگوشه‌های‌شان بازداشته بودند. هنگامی که کشتار آنان و ناآگاه از این کشتار، به شور نگاه‌گرمیان خود شتافتند، به جای پاره جان خود، بستمای کوچک، ساکی و کیفی و چمدانی گرفتند. آمیخته‌ای از گنگی، گچی، منگی، ناپاوری، ناتوانی، شگفتی، کینه، بی‌زاری، خشم، اندوه و گریه ره آورد شتاب آنان به دیدار فرزندان، هم‌سران، مادران، پدران، خواهران، برادران، یاران و دوستان خود بود و بس. شور دیدار نزدیک به اشک دوری جاودان جای سپرد. اندوه جان‌گداز سیل سیل مردم دردمند با پوزخند پیروزمندانه دژخیمان همراه بود. یارانی که دیربازی از آن‌ها دور، باری به بودن‌شان دل‌گرم بودی، شیرانی که دریند بودند و تو به رزم‌شان باورمند بودی، به یک‌باره دیگر در کنارت نبودند.

۱۰ سال می‌گذرد و ما هنوز دردمند از دست دادن یارانمان و دیگر هم‌زمان خود در راه آزادی هستیم. نام جان‌باختگان کشتار زندانیان سیاسی در سال

۶۷ به نامه روزگاران ایران راه یافته است. باری تا هنگامی که تساریخ‌نویسی راستین و همه‌پرداز بومی سرزمین ما شود، بر ماست که از کوشش برای زنده ماندن نام و پایداری نبرد در راه آزادی کوتاهی نکنیم. در هنگامه روزمره امروزین که بخشی از دست‌اندرکاران حکومت اسلامی نیز سخن از باور به قانون و رویارویی با تروریسم و این گونه سخن‌ها بر زبان می‌آورند، یادآوری این کشتار، این تبهکاری بزرگ، بر ماست. باید یاد این کشتار را زنده داریم و این خواست دادخواهان را بلند گویم که پرونده تبهکاری‌های بی‌شمار حکومت اسلامی تنها هنگامی

پلیدی را بتواند بکاود و در هم ریزد. و هر کس که به راستی دادباور باشد، بی‌گمان نخواهد خواست که با خودداری از بازگویی و بازخواست در باره این پرونده‌های تبهکارانه، بکوشیم تا بهانه‌ای به دست بیداد سرکوب ندهیم. ما مردم باید بتوانیم فرمان‌روایان را به بازخواست کشیم. این خود از بنیان‌های مردم‌سالاری است. روزی ما توانای این کار خواهیم بود و از آن چشم نخواهیم پوشید. روزی خواهد رسید که یک دادگاه مردمی بر پایه پیمان‌نامه‌های مردمی یک بار برای همیشه سرنوشت بیدادگران را روشن کند. به امید آن روز. □

بسته خواهد شد، که یک دادگستری مردمی آن‌ها را بررسد. نباید بگذاریم که هم‌چون همیشه سرنوشت مردم و فرزندان این خاک بازبچه دست زورمداران یک‌تاز باشد. اگر هم روزی حکومت اسلامی «از بیداد به داد برگردد» نباید گفت اینک که چنین شده، بسایید گذشته‌ها را به گذشته‌ها بسپاریم. نباید بگوییم «خدای را هزاران سپاس که سروران ما دادپرور شده‌اند». یک بار برای همیشه بسایید این ویژگی را بومی میهن خود کنیم که هیچ تبهکاری‌ای بی‌پرسی نماند. بسایید دست‌اندرکاران داد تا دورترین کنج پستوهای



# روشنفکری دینی و مساله زنان

راه نو؛ شماره ۱۶؛ مرداد ۱۳۷۷

مهرانگیز کار

حوزه تفکر دینی فقط افرادی از جنس شما گفته‌اند و همه افراد از جنس ما شنیده‌اند، این بار کف نفس می‌کردید و آن‌ها را و می‌نهادید تا اسب کلام را بتازانند و چنانچه این فن را نیاموخته‌اند، با رخصت دادن به آن‌ها برای ورود به جلسات، مساعدت می‌کردید تا آن را بیاموزند. اما نه تنها چنین نکرده‌اید، بلکه در مسیر یک حرکت ضد جامعه مدنی گام نهاده‌اید و منحصر خود سخن می‌گویید، با جنس خود پشت درهای بسته به بحث می‌نشینید و یک کلام، طوطی را در برابر آینه نهاده‌اید!

حماسه‌ای که از آن به کرات نام می‌برید، اقتضا می‌کند تا پهلوانانی از دو جنس، یک اندازه و عادلانه حرف و سخن انتشار دهید. شنیده می‌شود که گاهی در نشست‌های خودمانی، صاحبان اندیشه سیاسی آمیخته با عنصر دینی، با هم درد دل می‌کنند و می‌گویند در سال‌های انقلاب نیروی زنانی که در خود حضور در میدان‌های بحث فرهنگی باشد، تربیت نشده است. حتی به گوش خود از زبان زن نخبه‌ای از طیف شما که به یکی از سردبیران مرد از جمله برداران سنتی توضیح می‌داد، شنیدم که در توجیه استفاده از نیروی من و امثال من به مخاطب خود می‌گفت: چه کنیم نیروی خودی نداریم و به ناچار از سایر نیروها تغذیه می‌کنیم!

● آیا طیف روشنفکری دینی که ادعا می‌کند متناسب با نیازهای امروزی، به اتکای نواندیشی دینی می‌توان پاسخگوی پرسش‌های این عصر شد، همان است که گمانش کرده‌ایم و گمانه‌اش زده‌ایم یا کهنه‌ای است که به اقتضای روز پوشاک نو بر تن کشیده و چون در ساحل نجات بیارامد و پوشاک از تن برکنند، آن کهنگی و دیرینگی بار دیگر از پرده برون می‌افتد.

● راستی برای نصف جمعیت این کشور بلازده که هر گاه مردی زن خود را ارج می‌نهد، چه و راست، سنتی و مدرن، صفت زن ذلیل را به او می‌چسبانند، چه تفاوت دارد که راست سنتی بر اریکه قدرت بنشیند یا روشنفکران دینی و نیروهای سیاسی متصل به آن؟

پایه‌های قدرت سیاسی مردانه را تحکیم بخشند. به خاطر داشته باشید امکاناتی که در اختیار طیف‌ها و گروه‌های همسو با شما قرار گرفته است تا به فراوانی بتوانید افکار و اندیشه‌های خود را انتشار دهید، یکی از نتایج حضور زنان در انتخابات دوم خرداد است و شما به زنان کشور مدیون شده‌اید که البته نسبت به ادای دین، تاکنون از خود رغبتی نشان نداده‌اید. از این روست که وقتی واژه‌های آزادی و برابری انسان‌ها را بیایم تکرار می‌کنیم، بی آنکه اهل عمل باشیم، زنان آگاه شانه بالا می‌اندازند و می‌گویند: گویا در جهان بینی اینان نیز مانند برداران سنتی‌شان، بحث آزادی و برابری خاص مردان است و در این جهان بینی، هر چند با آرایه نو، زنان را جایی نیست یا اگر هست براساسی خسالی نبودن عریضه است. و می‌دانیم که عریضه همچنان خالی است و از نگاه شما نیز جای زنان در نثریات زنانه است و آن‌ها سزاوار نیستند تا فراتر از مهریه و تمکین و طلاق و... به بحث و گفتگو فراخوانده بشوند. از نگاه شما نیز در ایران **فصل النساء** است و نخبگانی از جنس زن نایاب است.

مقصود از ضرورت انتشار طرح چهره و تفکر نیمی از جمعیت این نیست که گاه‌گداری به انگیزه جلب و جذب زنان، از پویایی فقه و عصری شدن دین (بدون تدوین آن) سخن بگویند و با لکت زنان و کاملاً در اقبال از امکانات تجدید نظر در قوانین به نفع زنان گذر کنند. همچنین مقصود این نیست که آن‌ها را **زینت المساکین** بفرمایید و در جنگ قدرت سیاسی از آن‌ها مایه بگذارید و از کیسه‌شان خرج کنید و بعد از پیروزی کنارشان بگذارید. بلکه مقصود آن است که زنان را در جمع نخبگان کشور به نسبت سهمیه طبیعی، زیست‌محیطی و الهی‌شان، یعنی یک دوم جمعیت کشور به رسمیت بشناسید. این که عنصر دینی، اندیشه سیاسی‌تان را تغذیه می‌کند و بر پایه آن پرهیز از هشتتیبی با زنان و ترس از تشکیل جلسات دو جنسی توجیه می‌شود و در نتیجه نمی‌توانید از وجود نخبگان زن حتی در طیف خودتان کسب خبر کنید و موجبات رشد فکری آن‌ها را در جلسات فراهم سازید، مساله شما است. هر چند عذرتان موجه است و تا جایی که من اطلاع دارم در تمام جلسات طیف روشنفکران دینی که پیمایی و روزانه، هفتگی و ماهانه تشکیل می‌شود، جنس زن غایب است و شما از سر ایمان به جداسازی و یا از ترس تکفیر و سرزنش طرف مقابل، جلسات گفت و شنود فرهنگی - سیاسی خود را یکسره مردانه برگزار می‌کنید. آیا در جریان مبادلات فکری به سیاق مردانه، طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های مردانه، انتشار نثریات منحصر مردانه، که در آن‌ها مردان یکدوازده عرصه کلام شده‌اند، می‌توانید به رشد و تناوری جامعه مدنی اقدام کنید؟ چگونه؟ شاید هنوز در کار جامعه مدنی باریک نشده‌اید و نمی‌دانید جامعه مدنی را نمی‌توان در محدوده بسته جلسات و نشست‌های مذکر و یک جنسی سر و سامان بخشید. حاصل جمع نشست‌های مکرر و مذکر مصاحبه‌های مردانه، مفاهمه و تعامل مردانه، تداوم و تقویت و شاید بازسازی تفکر مردسالار زیر پوشش‌های جدید است که نگرانی‌ها را در موضوع زنان دامن می‌زند. هرگاه حماسه دوم خرداد را آن گونه که می‌نویسید باور کرده بودید، چراغ بر می‌داشتید، در شهر پرسه می‌زدید و نخبگان زن را از اندرونی‌های علمی و دینی و از پشت دیوارهای جداسازی و ترس و ارباب که برداران سنتی شما و چه بسا خود شما در آغاز انقلاب پی نهادید، بیرون می‌کشیدید. با آن‌ها پی‌پروا می‌نشستید، می‌گفتید و می‌شنیدید و شاید به جبران آن کسه قرن‌ها در

کار سترگ نخبه‌یابی، پیرامون خود پرسه‌ای بزنید و از زنان نخبه نیز، که حتی در مدارس دینی چه بسا پشت پاراوان‌های جدا سازی، از نگاه شما دور مانده‌اند، دعوت کنید تا طرف مصاحبه قرار گیرند. شاید در پاسخ به این انتقاد غیرمنتظره بگویند نخبگان زن خجولانه یا محافظه کارانه از قبول دعوت به گفت و شنود سرباز می‌زنند و هنوز در حوزه بحث و جدل، جسور و گستاخ نشده‌اند. البته باورتان می‌کنم. اما می‌گویم حتی این واقعیت چیزی از بار گناه و تعهد شما نمی‌کاهد. گناه از آن رو که بعد از ۲۰ سال، اندیشه سیاسی با عنصر دینی (اعم از سنتی و مدرن)، نتوانسته است نیمه‌ای از جمعیت را از قوه به فعل درآورد، و تعهد از آن



مدیر مسئول محترم هفته‌نامه راه نو!؛ پانزده شماره از هفته‌نامه راه نو را کنار هم دیده‌ام، ۱۵ چهره مردانه، درشت و مردسالارانه روی جلد همه شماره‌ها را تسخیر کرده‌اند. کلمات و جملات قصار آقایان هم زینت‌بخش تصاویرشان شده است. یقین حاصل است هر یک از آن‌ها در جایگاه فرهنگی، دینی و سیاسی خاصی که قرار دارند، دارای منزلت و اعتبار هستند. بنابراین، قصد خرده گرفتن از انسان در میان نیست و نویسنده این نقد از خرمن دانش و تجربه آن‌ها همواره خوشه برمی‌چیند.

آقای مدیر مسئول! راه نو از اندیشه نو سخن می‌گوید و در اقیانوس بیکران آزادی‌ها غوطه می‌خورد. اما تکرار واژه‌هایی مانند توسعه سیاسی، دموکراسی، کثرت‌گرایی، تساوی حقوق و... چنانچه از دل بسرنخیزد، لاجرم بر دل نمی‌نشیند و شیوه مدیریت شما چنان است که به نظر می‌رسد آن چه را بر قلم جاری می‌سازید، هنوز به درستی باور نکرده‌اید. زیرا پیداست می‌خواهید در غیاب نخبگان نیمه‌ای از جمعیت کشور، واژه‌ها را معنی کنید و گره از کار فرو بسته توسعه سیاسی بکشاید، که البته این شیوه آزادخواهی دیری است در جهان عرش به سر آمده است. شما را یکی از حلقه‌های سلسله نواندیشی دینی می‌شناسند. راه نو را نیز یکی از تربیون‌های فرهنگی - سیاسی متصل به آن. لذا چشم‌های امیدوار به شما دوخته است و جمعی مومنانه باور کرده‌اند در بازسازی فرهنگی و سیاسی ایران فردا، دستی و نقشی خلاق خواهید داشت. اما!

آیا طیف روشنفکری دینی که ادعا می‌کند متناسب با نیازهای امروزی، به اتکای نواندیشی دینی می‌توان پاسخگوی پرسش‌های این عصر شد، همان است که گمانش کرده‌ایم و گمانه‌اش زده‌ایم یا کهنه‌ای است که به اقتضای روز پوشاک نو بر تن کشیده و چون در ساحل نجات بیارامد و پوشاک از تن برکنند، آن کهنگی و دیرینگی بار دیگر از پرده برون می‌افتد. این تردید و سواس از آن رو در من قوت گرفته که تصور می‌کنم حتی در عرصه صحنه‌آرایی، نشریه‌ای که «راه نو» را نوید می‌دهد، نتوانستاید از آن چه بسی کهنه است و منشا این همه حرمان و ناسامانی شده، دل بکنید. شما ۱۵ شماره از نشریه‌ای را که یک سره مردان است، زیر نام پرمعانی «راه نو» انتشار داده‌اید. حال آن که انتشار راه نو، شیوه‌ای نو از سردبیری را می‌طلبد که شما و بسیاری از دوستان شما که در این راه گام می‌زنند، هنوز آن را کشف نکرده‌اید.

آقای مدیر مسئول! آیا هنگامی که برای هر شماره نشریه برنامهریزی می‌کنید، یادتان می‌رود که ایران در مجموعه جوامع مسلمان جهان از حیث روند تحولات رو به رشد زنان، کشوری است متمایز و حدود یک قرن پیشینه فعالیت و حرکت دارد؟ آیا از یاد می‌برید بیش از هفتاد سال است زنان ایران به مراکز آموزشی و دانشگاهی راه یافته‌اند و نخبگانی از جنس زن در تحولات یک قرن اخیر نقش آفرین بوده‌اند؟ آیا نمی‌دانید بیش از ۶۰ سال است که زنان ایران در کسوت وکیل دادگستری در محاکم قضایی کشور از حقوق مردم دفاع می‌کنند؟ زنان نه تنها در سطوح بالای احزاب سیاسی عصر پهلوی فعال بوده‌اند و در مقابله با نیروهای طرفدار استبداد جان باخته‌اند، بلکه در بافت سیاسی نظام حکومتی پیشین نیز نقش‌ها ایفا می‌کردند و در کابینه‌های پیش از انقلاب، دو وزیر زن و در مجلس شورای ملی ۲۵ نماینده زن بر مسند سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نشسته بودند. حدود یک دهه پیش از انقلاب ده‌ها زن ردای قضاوت بر تن کردند و تا مسند ریاست دادگاه پیش رفتند. زنان در عرصه هنر و ادبیات در یک قرن اخیر چنان درخشیدند که در پاره‌ای از زمان‌ها، جریان‌های ادبی - سیاسی را رهبری کردند و در نقش قصه‌نویس، گزارشگر، شاعر، نقاش، خواننده، هنرپیشه و... درخشیدند. زنان ایران حدود ۳۵ سال است از حق رای دادن و نماینده شدن برخوردار شده‌اند و صد‌ها زن نخبه بعد از انقلاب نیز کار سترگ مسلعی را در سخت‌ترین شرایط ادامه دادند و جمعی از آن‌ها توانستند، زیر تیغ گزینش‌ها به عضویت در هیات‌های علمی دانشگاهی درآیند. نخبگان زن در تمام شریان‌های علمی، دانشگاهی، صنعتی، فرهنگی، دینی، قضایی و سیاسی این کشور، پیشینه حضور و فعالیت دارند. بعد از انقلاب نیز زنان با جوهره اندیشه انقلابی که عمده مشخصه آن عدالتخواهی است، در اغلب زمینه‌ها فعال شده‌اند و بر موانع حضور غلبه کرده و در رده نخبگان قرار گرفته‌اند. اما شما سردبیران و سرحلقه‌های سلسله نواندیشی دینی و طیف روشنفکری دینی، وقتی می‌خواهید محصول فرهنگی خود را عرضه کنید، ایران را با یکی از امیرنشین‌های مسلمان اشتباه می‌کنید و یادتان می‌رود قرن است زنان هموطن شما با راه گلیب خود که همانا محدوده تنگ نگاه سنتی است، فراتر نهاده‌اند. یادتان می‌رود که در

چپ و راست سنتی و مدرن، صفت زن ذلیل را به او می‌چسبانند، چه تفاوت دارد که راست سنتی بر اریکه قدرت بنشیند یا روشنفکران دینی و نیروهای سیاسی متصل به آن؟ در شرایطی که شما اهالی راه نو، راهی بس کهنه را در جامعه‌ای با آن همه پیشینه تاریخی در پیش گرفته‌اید، از کسانی که بی‌رودبایستی از جداسازی جانپداری می‌کنند، چه توقعی می‌توان داشت؟ آیا جز این است که در موضوع خاص زن هر دو از یک منبع تغذیه می‌کنید و یکی را بر دیگری رجحان نیست؟

اندکی در خود بنگرید. آیا شیوه‌ای از انحصارگرایی را انتخاب نکرده‌اید؟ به مفهوم انحصارگرایی بیندیشید که عبارت است از یک‌تازگی یک نوع تفکر یا یک گروه و قشر در همه امور. شیوه مدیریت شما که بر پایه آن به زنان در رده نخبگان حاضر، در ۱۵ شماره فرصت حضور ندادها‌اید، معنایی جز انحصارگرایی ندارد. اگر صادقانه با خود به گفتگو بنشینید و فراموش کنید که دارید در یک روستای عهد عتیق، نواندیشی را تبلیغ می‌فرمایید، آن گاه متقاعد می‌شوید که عرصه فرهنگی را بر نیمه فعال جمعیت تنگ کرده‌اید و این عین انحصارگرایی است.

فراموش کنید که زنان به دنیا می‌آیند تا شیران نو بزایند و در انتخابات شرکت می‌کنند تا

توضیح کار: مدیر مسئول هفته‌نامه «راه نو» آقای اکبر گنجی است. □



### طرح اقتصادی سوسیالیستی بر هرج و مرج سرمایه داری پیروز می‌گردد\*

ج. جعفری

قسمت کوچکی از مردم آموزش می‌بیند (این روند در کشورهای امپریالیستی نیز رو به افزایش است)، چون هدف اصلی فقط سوددهی کالا است. برای مثال در هندوستان، در کنار کارخانه‌های مدرن اتومبیل‌سازی، محله‌های فقیرنشین وجود دارد، در آن جا نمودی از ساختمان‌های شیک و آموزش وسیع یافت نمی‌شود. ولی در نظام سوسیالیستی مدرن‌ترین تکنیک‌ها می‌توانند در خدمت رفع نیازها و اعتدال در تولید و توزیع ارگانیزه گردند و کشورهای توسعه نیافته که امروز وضعیت را لحظه بدتر می‌شود، توسعه یابند.

امروز در کارخانه‌ها و کنسرن‌های اتومبیل‌سازی، قطعات بر روی نوارها حرکت می‌کنند و هم‌زمان اتومبیل‌های زیادی تولید می‌شوند. این عمل باعث می‌گردد بیکاری افزایش یافته و دامنه اعتراضات شدیدتر شود. با در نظر گرفتن این اعمال، انسان‌های زیادی از خودشان سوال می‌کنند، آیا باید همه چیز به همین گونه باشد؟ راه دیگر کدام است؟ سوسیالیسم؟ اما دیگران چگونه باید حرکت کنند؟ هدف اصلی تولید در سوسیالیسم رفع نیازهاست. تولید با افزایش مجموعه اجتماعات زیاد می‌شود، ولی در نظام سرمایه‌داری، افزایش تولید دیگر هدف یک کارخانه نیست، بلکه سودآوری آن مقصود اصلی است. سودآوری یک کارخانه، به سودآوری تولید در جامعه بستگی دارد. مساله افزایش تولید می‌تواند توسط نظارت بر عبور و مرور، یا طرفداران طبیعت و یا توسط نظارت بر حمل و نقل کالا، بدون ملاحظه سوددهی کنسرن‌ها، مورد ارزیابی قرار بگیرد. ولی آیا در نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان کنونی این چنین است؟

در سال ۱۹۱۷ انقلاب سوسیالیستی با مشکل بزرگی مواجه گردید و این مشکل آن بود که اکثر کارگران سواد خواندن و نوشتن نداشتند. امروزه کارگران فرهنگ نامتقارن، ولی بالایی را کسب کرده‌اند. در کارخانه‌های مدرن، اغلب، کلیه مراحل تولید توسط خود کارگران طرح‌ریزی و ارگانیزه می‌گردد. هرج و مرج در تولید در نظام سرمایه‌داری به هرج و مرج در آموزش نیز کشیده شده است. به ویژه در کشورهای وابسته، فقط

● باتیاس از نشریه Rote Fahne

### از اعتمبات بین‌المللی کارگری تابهران‌های اقتصادی جهان\*

ژیلدا و

کارگران جنرال موتور و نیز توقف تولید به دلیل اعتصاب کارگران در دو قسمت از کارخانه Flint، که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی دنیا می‌باشد، را به دنبال آورد. همچنین به دنبال اعتصابات کارگران آمریکا، در کانادا و مکزیک نیز تولید در کارخانه‌های G M با حدود ۲۲۴۰۰۰ کارگر، متوقف شد. سندیگاهای کارگران فلز برزیل، به اعتصاب‌ها در این کشورها اعلام همبستگی کردند که البته ناگفته نماند، اقتصاد برزیل نیز از این بحران دچار تشنج گردید، زیرا با توجه به این که برزیل در تولید اتومبیل بین کشورهای آمریکای جنوبی مقام اول را دارد، در اوایل سال جاری، تجارت اتومبیل در این کشور به میزان ۱۴ درصد کاهش یافت. اما در آخر نکته‌ای که بسیار اهمیت دارد و از این مختصر می‌توان نتیجه گرفت آن است که آگاهی کارگران جهان نسبت به توانایی‌هایشان و مبارزه همه جانبه جهت گرفتن حق قانونی‌شان افزایش پیدا کرده است و اعتصاب به این منظور یک مفهوم بین‌المللی دارد و بایستی در تمام کشورها و از طرف همه دولت‌ها، حتی رؤیای چون ایران، پذیرفته شود. □

● باتیاس از نشریه Rote Fahne

حرف‌ها زد و مملکت را شلوع کرد، پاسپورتش را به دستش بدهید تا هر جا که خواست برود. این همه آدم با پاسپورت یا بدون پاسپورت از مملکت رفتند، مگر ضرری به مملکت خورد؟

نهما: الان عده‌ای پیدا شده‌اند که حرف از حقوق زنان می‌زنند. عده دیگری هم می‌گویند که مگر همان زندگی قدیمی و سنتی زنان ما چه عیبی داشت؟ بهترین کار برای رئیس جمهور این است که در این دعوا دخالتی نکند. هنوز خیلی مانده است که موضوع برابری حقوق زن و مرد به یک موضوع همه گیر تبدیل شده و لزوم دخالت دولت را ایجاب کند. شاید اصلاً به صلاح نبود که زنان و دختران ما پاساژ بشوند. به هر حال، چه می‌شود کرد، خیانتی بود که دیگران کردند. فعلاً شما خون‌سردی خود را حفظ کنید و دندان روی جگر بگذارید.

دهما: خودتان را به خاطر آقای کرباسچی بدانم نکنید. قوه قضاییه مملکت با هیچکس شوخ ندارد و دستورات صادره را با جدیت اجرا می‌کند. عده‌ای خیال می‌کنند که با هیاهو می‌توانند در قوه قضاییه نفوذ کنند در حالی که قوه قضاییه راه خود را خوب بلد است و می‌داند که به حرف چه کسی باید گوش بدهد، شما راه خودتان را بروید و سعی کنید جامعه مدنی درست کنید. اصلاً چه کسی گفته که «مدینه‌السنی» احتیاج به شهردار داشته است؟ □

هانور - ۱۸/۸/۱۹۹۸

بپذیرند که در شرایط کنونی مردم ایران در جنبش مبارزاتی کشور از آنها پیشی گرفته‌اند و این همچنان ادامه دارد و ترس من از آن است که این جدایی تا بدانجا پیش رود که سازمان‌ها در برپایی انقلاب آینده مردم ایران کوچکترین نقشی نداشته باشند و تنها نظاره گر بمانند.

بسیار به حرمت کاروان شهدای عزیز سازمان‌هایمان فکری به حال خود بکنیم و در این لحظات حساس تاریخی کشور دست از لجاجت و یکدندگی برداشت این جبهه اتحاد مبارزه را که سال‌های سال است تنها شعار آن را می‌دهیم بوجود آورده و عمده مبارزه خود را معطوف به داخل کشور سازیم. تا بدین طریق بتوانیم این فاصله و جدایی از جنبش مبارزاتی کشور را جبران نموده و در برپایی انقلاب آینده مردم ایران نقش شایسته تاریخی خود را داشته باشیم. وقت تنگ است بیش از این غفلت نکنیم □

مختلف اجتماعی توصیف شده، بلکه باید بعنوان کشمکش درونی در همه جامعه‌ها، میان عنصرهای سیستم که عقلانیت خود را از منطق سرمایه‌داری می‌گیرد و معیارهای دیگر عقلانیت اجتماعی از سرشت سوسیالیستی را پیشرفت می‌دهد، در نظر گرفته شود. کسی مانند سرمایه‌داری که پیش از بیرون آمدن

**فرم درخواست اشتراک**  
اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:  
مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:  
نام: .....  
نشانی: .....  
Address: .....  
.....  
.....  
.....  
.....

فرم را همراه با پهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس پست کنید! □

### دعای فرمان موسی به خاتمی

محمد رضا قنبری

است. یا همانطور که قبلاً نوشتم، «یساوه» است. آقای رئیس جمهور، این دروغ است که ما یک جور بشر داریم. در واقع بشر، طبقه طبقه است. یک طبقه آن آفریقایی است که گرسنه است. یک طبقه آن هندی است که نیمه گرسنه است اما بسبب اتمی دارد. یک طبقه سیاه است، یک طبقه بور است. بین طبقه بور هم طبقات دیگری است: طبقه سوئدی با طبقه روسی فرق دارد. در داخل کشور خودمان هم طبقه نویسنده داریم و طبقه بازاری و هزار طبقه دیگر. این طبقات دارای حقوق و وظایف کاملاً متفاوتی می‌باشند. چرا ما باید به خاطر حقوق بشر، وجدان بشر، وجدان خودمان را ناراحت کنیم؟

ششماً: جلوی تظاهرات را بگیرد. اصلاً تظاهرات را با لکل قدغن کنید. مگر مملکت قانون ندارد که هر روز عده‌ای در خیابان سد مخرج کنند و بگویند حسن را می‌خواهیم، حسین را نمی‌خواهیم؟ اصلاً برای اینکه درس عبرتی برای بقیه باشد، اول تظاهرات خودی‌ها را قدغن کنید، اگر زورتان به بقیه نمی‌رسد، حداقل به خودی‌ها که زورتان می‌رسد! همین سد معبر کردن‌هاست که باعث می‌شود عده‌ای موتورسوار احساس وظیفه کنند و به میدان بریزند. خدا را خوش می‌آید که اعصاب

بمیریم؟  
سوما: سیگار کشیدن را قدغن کنید. آری، خیلی ساده: قدغن کنید. آن کس که شور و عشقی به سیگار دارد، از هر «سوراخ سنبه‌ای» هم که شده، برای خودش سیگار پیدا می‌کند. مطمئن باشید سیگارکش واقعی، بدون سیگار نمی‌ماند. می‌ماند آنها که از روی تفتن یا سرگرمی سیگار می‌کشند. همان بهتر که سیگار اینها قطع شود. هم به سلامتی آنها کمک می‌شود و هم به اقتصاد مملکت. باور کنید از طریق سیگار می‌توان اقتصاد مملکت را تکان داد. مگر قبلاً از طریق تنباکو سیاست مملکت تکان نخورد؟  
چهارما: قول و قرارهای خود را خیلی راحت فراموش کنید. اگر شرایط انتخابات ایجاب می‌کند که در مورد قانون یا مثلاً در مورد جامعه مدنی، وعده وعیدی بدهید، اکنون به خاطر آنها خود را به دردمر نیاندازید. آداب و رسوم ریاست جمهوری این است که آدم قول بدهد ولی اجرا نکند. قول و قرار شما که از قرارداد اسلو مهمتر نیست که فراموش شد و رفت بی کارش!  
پنجماً: در مورد حقوق بشر: اصلاً هر کس که حرف از حقوق بشر زد، او را از دفتر کار خود بیرون بیاندازید. این‌که می‌گویند بشر به صرف بشر بودن دارای حقوق ذاتی است، چرند

بررسی وقایع سیاسی یک سال گذشته (از خرداد ۷۶ تا ۷۷) در کشور ما نشان‌دهنده دو حرکت کاملاً متفاوت است. یکی حرکت رشدیابنده و دیگر حرکت افکندنده.  
حرکت رشدیابنده از سوی مردم ایران صورت گرفته که با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۷۶ و رای ندادن به کاندیدای ولایت فقیه آغاز و با اعتراض‌های گسترده مردمی و دانشجویی بر علیه ولایت فقیه همچنان ادامه دارد. اعتراضات آیت‌الله منتظری و آذری قمی و هواداران ایشان را نیز بر علیه نقش ولایت فقیه در حکومت نمی‌توان نادیده گرفت که این اعتراضات از ۷ ماه پیش آغاز شده و کم و بیش ادامه دارد. به همین دلیل می‌توان مسائل گذشته را فعالترین مسائل فعالیت‌های سیاسی و اعتراضات مردم در این یک دهه اخیر دانست. حرکت افکندنده از سوی سازمان‌های سیاسی بوده

### پناهجویان ایرانی در ترکیه

ادامه از صفحه ۳  
نکرده است. در ۱۸ ژوئن گذشته، آقای علی گوهری که به همراه خانواده‌اش به مدت یک سال در این هتل منتظر جواب به سر می‌برد، به خانم شریا وکیل UN مراجعه کرده و تقاضای تجدید نظر در پرونده خود را کرد. اما این خانم وکیل نه تنها خواسته او را برآورده نکرد، بلکه به او توهین نمود. علی گوهری همراه با پسر جوانش رگ‌های دست خود را زد و اقدام به خودکشی کرد. اما به موقع به بیمارستان منتقل شدند و نجات یافتند. بعد از این حادثه پرونده تعداد زیادی از پناهجویان مجدداً توسط UN مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گرفت و با پناهاندگی برخی‌ها موافقت شد. اما این‌ها بدون استئنا کسانی بوده‌اند که در جریان درگیری‌ها همواره از پلیس

### مصاف سوسیالیسم...

ادامه از صفحه ۱۰  
سوسیالیستی است. به عقیده من نکته اساسی چیزی است که واقعاً در این زمینه‌ها می‌گذرد. با این همه، نمی‌توان در آن جا متوقف ماند. ما بلم اضافه کنیم که گفتگو در باره آینده سوسیالیسم در چین نمی‌تواند جدا از گفتگو پیرامون چشم‌انداز جهانی باشد. سنت انترناسیونال سوم به شیوه خود شرایط مصاف‌ها را مشخص کرد و در یک مدت کوتاه تاریخی بنابر تئوری ساختمان سوسیالیسم در یک کشور عمل کرده است. تاریخ نشان داده است که این ساختمان در کنه خود کمتر جای ابهام باقی گذاشته و کاملاً برگشت پذیر است. از این رو، با تعریف دوباره اصطلاح‌ها بحث در باره گذار طولانی (قرنی) سرمایه‌داری جهانی به سوسیالیسم جهانی را پیشنهاد کرده‌ام. پیشنهاد من این است که گذار طولانی نه بعنوان دورهای که همکناری (جغرافیایی) سیستم‌های

